

اقتصاد امنیت، از چیستی تا نحوه اثرپذیری از امنیت اقتصادی؛ مطالعه موردی در کشورهای با درآمد پایین

مهدی گلدانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

چکیده

در بیان ارتباط بین اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی می‌توان گفت، اقتصاد امنیت شامل امنیت اقتصادی، هزینه‌های ایجاد و پایش آن و همچنین مجموعه درآمد و هزینه‌هایی است که به نوعی می‌تواند امنیت را (از هر منظر) متأثر ساخته یا از آن منتج شود. در واقع اقتصاد امنیت، مفهومی عام‌تر از امنیت اقتصادی است که شامل روابط، نهادها و جریانات نقدی است که برای مدیریت مخاطرات اجتماعی و اقتصادی اثرگذار بر مقوله امنیت ایجاد می‌شوند. هدف این پژوهش توضیح نحوه اثرگذاری امنیت اقتصادی بر اقتصاد امنیت است. برای این منظور ابتدا با مروری بر مفهوم امنیت، به مقایسه اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی پرداخته و سپس با مروری بر روش‌های سنجش آن، به برخی پروکسی‌های استفاده شده برای مدلسازی این دو اشاره می‌گردد. سپس به معرفی و بررسی متغیرهای اقتصادی و مؤلفه‌های امنیت اقتصادی مؤثر بر اقتصاد امنیت پرداخته شد. در انتها نیز با استفاده از مدل رگرسیونی پانل دیتا، نحوه اثرپذیری اقتصاد امنیت از متغیرهای توضیح‌دهنده امنیت اقتصادی، برای کشورهای با درآمد پایین بحث می‌گردد. نتایج برآمده از مدل، چنین بوده است که شاخص رفاه تأثیر مثبت و معناداری بر اقتصاد امنیت دارد و متغیرهای سرمایه‌گذاری خارجی، هزینه مصرفی خانوار و تورم، تأثیر منفی و معناداری بر این شاخص دارند.

واژگان کلیدی: اقتصاد امنیت، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی، امنیت ملی.

^۱ استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، خراسان رضوی، ایران. نویسنده مسئول.

۱. مقدمه

می‌توان تلاش برای "بقاء" را دلیل بسیاری از رفتارها و تصمیمات انسان‌ها، دولت‌ها و ملت‌ها دانست که برای حفظ آن معمولاً از صرف هیچ هزینه‌ای مضایقه نمی‌شود؛ پس از اطمینان خاطر از حصول آن، تلاش‌های بشری فقط به بقاء محدود نشده و کیفیت بقاء نیز موضوعیت دارد. به تعبیری، صرف "زنده بودن" ملاک نیست بلکه نحوه "زندگی کردن" اهمیت خاص دارد. یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با بقاء و کیفیت آن، "امنیت" است که پیش شرط و بستر لازم برای هر فعالیتی می‌باشد (دری نوگورانی، ۱۳۹۵). امنیت عبارت است از آزادی برای قبول پیشنهاد یا مقاومت در برابر آسیب‌های احتمالی (یا سایر تغییرات اجباری ناخواسته) ناشی از پدیده‌های پیرامونی. امنیت در ابعاد مختلف همچون اشخاص و گروه‌های اجتماعی، نهادها و اکوسیستم‌ها، هر شیء یا پدیده دیگری را که در برابر تغییرات ناخواسته آسیب‌پذیر باشند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا حفظ امنیت را می‌توان یکی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه دانست.

از نظر جغرافیایی سطوح امنیت را می‌توان به سه سطح طبقه‌بندی کرد: ۱. امنیت محلی، ۲. امنیت ملی، ۳. امنیت بین‌المللی. امنیت ملی عبارت است از امنیت و دفاع از یک کشور مستقل اعم از شهروندان، اقتصاد و نهادهای آن که یکی از مهم‌ترین وظایف دولت تلقی می‌گردد. امنیت ملی که در ابتدا به‌عنوان حفاظت در برابر حمله نظامی تصور می‌شد، به‌طور گسترده‌ای شامل ابعاد غیرنظامی نیز می‌شود، از جمله امنیت در برابر تروریسم، به حداقل رساندن جرم، امنیت اقتصادی، امنیت انرژی، امنیت محیطی، امنیت غذایی و امنیت سایبری (هیس، ۲۰۱۹). از نظر باری بوزان، امنیت ملی خود به پنج مقوله تقسیم می‌شود: ۱. امنیت نظامی، ۲. امنیت اقتصادی، ۳. امنیت اجتماعی، ۴. امنیت زیست محیطی، ۵. امنیت سیاسی (بوزان، ۱۹۹۱). همچنین در مطالعات هیس، امنیت ملی از مناظر بیشتری قابل بررسی است: تروریسم، به حداقل رساندن جرم، امنیت اقتصادی، امنیت انرژی، امنیت محیطی، امنیت غذایی، امنیت سایبری و غیره (هیس، ۲۰۱۹).

امنیت با قدرت اقتصادی و مالی، و ناامنی با فقر رابطه مستقیم دارد. بدون یک اقتصاد پایدار با عملکرد خوب و بلندمدت، ممکن است در واقع هیچ ایمنی، رفاه و ثباتی وجود نداشته باشد، زیرا اقتصاد و امور مالی تأثیر مستقیمی بر ارتش، نظم و امنیت عمومی دارند (ایوان فرنس و آندری دیامسکو، ۲۰۱۰). اولین تلاش برای یافتن یک رویکرد اقتصادی برای توصیف "امنیت" در ابعاد کلان، در نظر گرفتن آن به‌عنوان یک "کالا" در اقتصاد است. آن هم کالایی عمومی و عموماً غیر رقابتی و غیرقابل استثناء (تخصیص ناپذیر) است. چنین نگرشی به امنیت و در نظر گرفتن آن به مثابه یک کالای عمومی، ما را به مفهوم "اقتصاد امنیت" می‌رساند.

¹ Heath

² Buzan

³ Ioan and Valeriu

در بیان ارتباط بین اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی می‌توان گفت، اقتصاد امنیت شامل امنیت اقتصادی، هزینه‌های امنیت اقتصادی و بحران‌های اقتصادی^۱ است که بر امنیت به‌طور کلی تأثیر می‌گذارد (پاپ^۲، ۲۰۰۶). با توجه به تعریف ارائه شده از اقتصاد امنیت می‌توان گفت، در حالیکه امنیت اقتصادی توانایی افراد، خانواده‌ها یا جوامع برای تأمین نیازهای ضروری خود را توضیح می‌دهد، اقتصاد امنیت شامل همه مؤلفه‌های تأمین منافع حیاتی کشور، روابط آن‌ها (که مؤلفه‌های امنیتی را با ویژگی سیستمی ارائه می‌کند - به نام سیستم امنیت ملی یک کشور) و هزینه مربوط به آن‌ها است. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که امنیت اقتصادی در حوزه اقتصاد امنیت لحاظ می‌گردد (ایوان فرنس و آندری دیامسکو^۳، ۲۰۱۰). به بیان ساده‌تر، اقتصاد امنیت مدیریت تمامی ابعاد امنیت ملی با ابزارهای اقتصادی است و لذا در نظر گرفتن امنیت ملی به مثابه کالای عمومی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اقتصاد امنیت مفهومی به مراتب کلی‌تر از امنیت اقتصادی را ارائه می‌دهد. در واقع امنیت اقتصادی یکی از وجوه امنیت است که در حوزه اقتصاد امنیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر به بیان وجهی مهم از امنیت یعنی امنیت اقتصادی و امنیت نظامی و بررسی جنبه‌ی اقتصادی آن‌ها پرداخته می‌شود. و در انتها نیز به بررسی رابطه بین متغیرهای اقتصادی بر اقتصاد امنیت برای کشورهای با درآمد پایین پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پرداختن به دو مقوله اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی، نیازمند شناخت دقیق این دو مفهوم، بررسی ابعاد مختلف آن‌ها و شناخت عوامل تأثیرگذار بر ایشان است. بنابراین در این قسمت از پژوهش، ابتدا به بررسی اقتصاد امنیت و سپس امنیت اقتصادی و در نهایت وجه تمایز این دو مفهوم پرداخته می‌شود.

۲-۱. مبانی نظری

۲-۱-۱. مفهوم اقتصاد امنیت

به عنوان یک اصطلاح نسبتاً جدید، اقتصاد امنیت به روشی برای ایجاد یک سیستم کامل حفاظت (اقدامات و فعالیت‌ها)، اعم از دولتی و خصوصی، با هدف جلوگیری و کاهش خطر اقدامات معمولاً عمدی که ممکن است کیفیت زندگی و کالاهای مربوطه را به خطر بیندازند، اطلاق می‌شود. اقتصاد امنیت در مفهومی وسیع بیانگر علم مدیریت منابع و ابزارهای امنیتی است که بخش امنیت اقتصادی (مجموعه اقداماتی برای پیشگیری، مدیریت، کاهش و مقابله با عوامل ناامنی علیه یک کشور در حوزه اقتصادی) و همچنین تداخل بین امنیت و کلیه اقداماتی که با هدف امنیتی توسط نهادهای دولتی انجام می‌شود را پوشش می‌دهد. البته این تعریف در محدوده وسیعی هم شامل بخش دولتی و هم بخشی از بخش خصوصی می‌شود. ولی در یک بیان ساده، معمولاً

^۱ . در صورتی که نزول یا افت مهم در فعالیت‌های اقتصادی بیش از چند ماه طول بکشد، بحران اقتصادی نامیده می‌شود. (هرتاتی و همکاران، ۲۰۲۰).

^۲ Pop

^۳ Ferens & Diamescu

این اصطلاح را برای توضیح اقدامات و هزینه‌هایی که برای تضمین امنیت افراد و شرکت‌ها می‌شود، بکار می‌برند (فرنس و دیامسکو، ۲۰۱۰).

درواقع اقتصاد امنیت شامل توانایی‌های عملکردی و مالی یک دولت برای پیشگیری و مدیریت خطرات از هر نوع - اقتصادی و غیراقتصادی (سیاسی، اجتماعی، نظامی) - می‌شود. لذا دایره شمول این مفهوم، تمامی مولفه‌های تامین منافع حیاتی کشور، امنیت ملی و هزینه مربوط به آن می‌باشد (اندروسون و همکاران^۱، ۲۰۱۵). در ادامه به موضوع اقتصاد امنیت در ارتباط با مؤلفه‌های اساسی آن و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی حوزه‌های دفاعی و امنیتی پرداخته می‌شود.

۲-۱-۲. مؤلفه‌های اقتصاد امنیت

بدیهی است که امنیت، بعد اقتصادی دارد و امنیت با قدرت اقتصادی و مالی و ناامنی با فقر رابطه مستقیم دارد. بدون یک اقتصاد پایدار با عملکرد خوب و بلندمدت، ممکن است هیچ ایمنی، رفاه و ثبات وجود نداشته باشد، زیرا اقتصاد و امور مالی تأثیر مستقیمی بر ارتش، نظم، امنیت عمومی و دیگر ابعاد امنیت دارد. کشوری که دارای اقتصاد قوی است قادر به انجام اقدامات سیاسی و استراتژیک در مقیاس ژئوپلیتیکی (بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولت‌ها) است و همواره کشوری تأثیرگذار بر روابط بین‌الملل خواهد بود (منشیکو و همکاران^۲، ۲۰۱۷).

در سال‌های گذشته، از امنیت به‌عنوان هدف اصلی دولت‌ها و اولویت سازمان‌ها و شرکت‌های عمومی یاد می‌شد. در این رابطه باید به دکترین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا (۲۰۰۲ و ۲۰۰۶)، مفهوم استراتژی ناتو (۱۹۹۹) یا استراتژی امنیت اروپا (۲۰۰۳) اشاره کرد که دیدگاه جدیدی از جهانی شدن ارائه می‌دهند و بیان می‌کنند که علاوه بر تهدید نظامی، تهدیدهای دیگری نیز وجود دارد. از این رو امنیت را نه تنها در رابطه با تهدیدات اقتصادی، تأمین انرژی یا زیست‌محیطی که حتی نقض حقوق مالکیت خصوصی نیز بحث می‌کنند. در دهه‌های اخیر تهدیدهای جدید پیچیده‌ای برای صلح و ثبات کشورها به وجود آمده است، از جمله ظلم، درگیری‌های قومی، اقتصادی، فروپاشی نظم سیاسی و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی. از دهه آخر قرن بیستم، خطرات اقتصادی در سطح خطرات ناشی از درگیری‌های قومی، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی یا جنایات سازمان‌یافته - به‌عنوان ناقل‌های تهدید با ماهیت نظامی - در رابطه با تأثیر بر امنیت ملی مورد توجه قرار گرفته است. از آن زمان، کشورها راهبردهای امنیت ملی خود را با انواع جدید خطر و تهدید، صرف‌نظر از ماهیت آنها، تطبیق دادند. براساس آنچه اشاره شد، امنیت ملی که در ابتدا بعد نظامی آن مطرح و مهم تصور می‌شد، به‌طور گسترده‌ای شامل ابعاد غیرنظامی نیز می‌شود، از جمله امنیت در برابر تروریسم، به حداقل رساندن جرم، امنیت اقتصادی، امنیت انرژی، امنیت محیطی، امنیت غذایی و امنیت اطلاعات^۳ (پالری^۴، ۲۰۰۸).

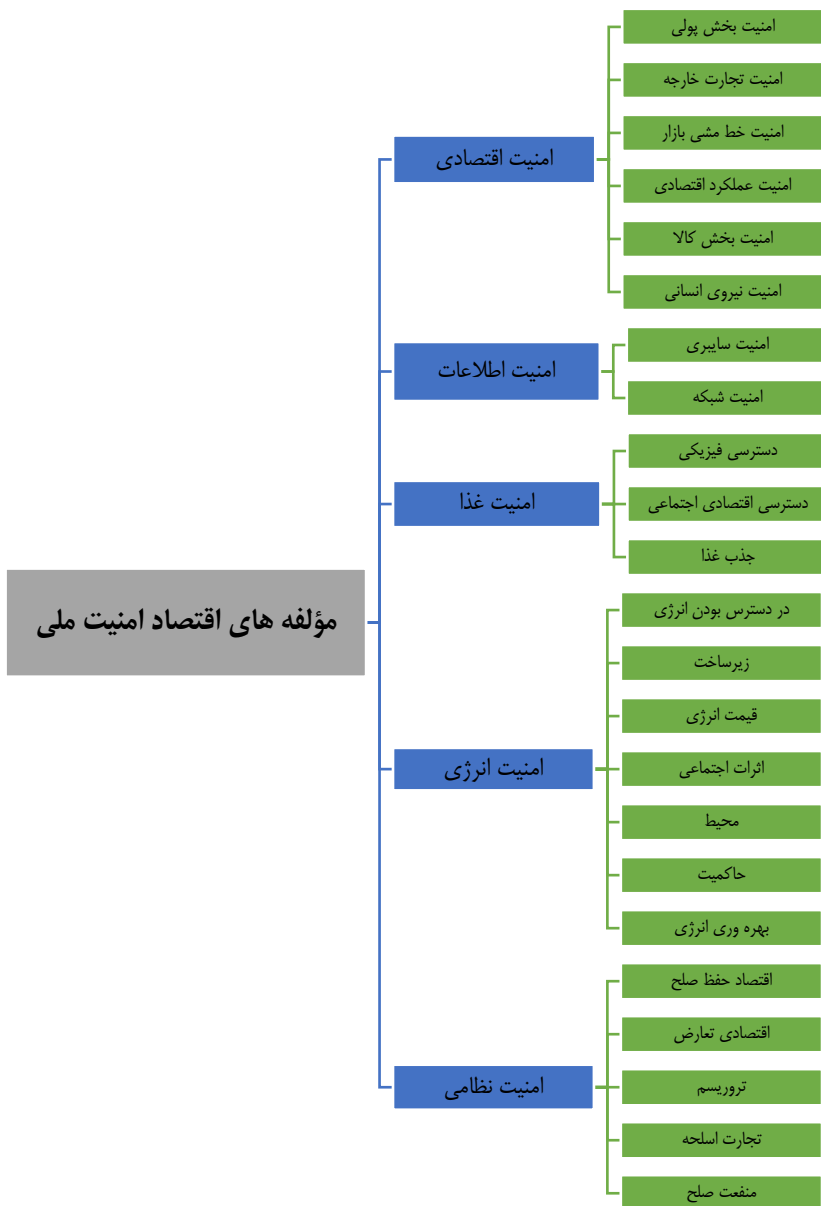
¹ Anderson et al

² Menshikov et al

³ information security

⁴ Paleri

شکل شماره (۱) مهمترین مولفه‌های امنیت را ترسیم می‌کند و در ادامه نیز به بررسی برخی از اساسی‌ترین مولفه‌های امنیت ملی پرداخته می‌شود.



شکل شماره (۱) مولفه‌های اساسی اقتصاد امنیت

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۱-۲-۱. امنیت نظامی

بدون تردید، قدرت ملی، روح کالبد مفهوم امنیت ملی است. امنیت نظامی نیز به عنوان اصلی‌ترین عنصر قدرت ملی محسوب می‌شود. امنیت نظامی مستلزم توانایی یک دولت-ملت برای دفاع از خود و یا جلوگیری از تهاجم نظامی است. از سوی دیگر، امنیت نظامی مستلزم توانایی یک دولت-ملت برای اجرای سیاست‌های خود با استفاده از نیروی نظامی است (سپیرا^۱، ۲۰۱۴). در واقع عنصر نظامی‌گری، معیار نهایی است که به وسیله آن، میزان کلی پتانسیل اقدار و توان (حفظ) امنیت ملی، سنجیده شده و مورد قضاوت قرار می‌گیرد. بدون تردید میزان اهمیت امنیت نظامی با نوع و تحولات تهدیدها ارتباطی مستقیم خواهد داشت (یگانگی و عبایی، ۱۳۹۹). به‌طور کلی می‌توان گفت جنبه‌های نظامی امنیت، نه تنها شامل به‌کارگیری رویکردهای پیشگیری از درگیری و مدیریت بحران برای چالش‌های نظامی «سنتی» در سطح کشور و منطقه، بلکه استفاده از نیروهای مسلح ملی، از جمله پلیس، برای حفظ امنیت جامعه است. گاهی اوقات، چنین نیروهایی ممکن است برای کمک به حل برخی تهدیدات امنیتی مانند تروریسم نیز استفاده شوند. چنین فعالیت‌هایی با مشارکت مشترک در فعالیت‌های کنترل تسلیحات، مدیریت مرزها، مبارزه با تروریسم، پلیس، درگیری و اصلاحات نظامی، امنیت منطقه را ارتقا و تقویت کنند (هارتلی^۲، ۲۰۱۱).

مقوله امنیت نظامی امروزه در قالب مخارج نظامی و بحث اقتصاد دفاع، وارد ادبیات اقتصادی شده است. اقتصاد دفاع شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که مدیریت مخارج دفاعی را طی دوره‌های جنگ و صلح مطالعه و آثار خارجی این مخارج بر سایر بخش‌های اقتصادی را بررسی و تحلیل می‌کند. به‌طور کلی، مخارج دفاعی به‌عنوان مخارج کالاهای عمومی یک اقتصاد در نظر گرفته می‌شوند، اما اقتصاد دفاع رابطه مخارج دفاعی و سایر کالاهای اقتصادی را از طریق کانال‌های مختلف بررسی و تحلیل می‌کند (اسماعیل‌نیا و وصفی، ۱۳۹۵). تعریف اقتصاد دفاعی برای منعکس کردن تهدیدات جدید و تحولات سیاستی جدید تکامل یافته است. در طول جنگ سرد و بلافاصله پس از آن، اقتصاد دفاعی به‌عنوان مطالعه اقتصادی دفاع، خلع سلاح و صلح تعریف شد. در محیط پس از جنگ سرد، تمرکز بر اقتصاد جنگ و صلح بوده است. تعاریف مدرن شامل مطالعه جنگ‌ها و درگیری‌ها اعم از درگیری‌های متعارف و غیرمتعارف است. به‌عنوان مثال می‌توان به مطالعه اقتصادی جنگ‌های داخلی، انقلاب‌ها و تروریسم اشاره کرد (هارتلی، ۲۰۱۱). از زمان پایان جنگ سرد و در جهان پس از جنگ سرد، تحولات جدیدی در اقتصاد دفاعی رخ داده است. اینها منعکس‌کننده پایان جنگ سرد، جهانی شدن و تهدیدات امنیتی جدید در قالب تروریسم بین‌المللی بودند. این تحولات جدید عبارتند از:

الف) بررسی‌های اقتصادی خلع سلاح و منفعت صلح

"منفعت صلح" مفهومی است که برای اشاره به مزایای ناشی از هزینه‌های دفاعی کمتر و تبدیل تولیدات نظامی

¹ Szpyra

² Hartley

به تولید غیرنظامی استفاده شده است. از این منظر، اثر کاهش بودجه دفاعی به عنوان نوعی فرصت سرمایه-گذاری تعبیر می‌شود (مک کندلس^۱، ۲۰۱۲).

ب) تجارت اسلحه

عرضه و تقاضا برای کالاهای نظامی بازار ناقصی را با عرضه‌کنندگان و مشتریان کم توصیف می‌کند. صنعت تسلیحات در اکثر کشورهای صنعتی دارای ساختار انحصاری است؛ از جمله دلایل آن می‌توان به شدت سرمایه در تولید (نسبت سرمایه به نیروی کار مورد استفاده در جریان تولید است)، هزینه بالای تحقیق و توسعه نظامی و درانتها استانداردهای محرمانه قوی در پروژه‌های تدارکات - که به انتشار دانش و افزایش وابستگی‌های بلندمدت آسیب می‌رساند- اشاره نمود (گلیسمن و همکاران^۲، ۱۹۹۲).

ج) تروریسم

تلفات جانی و صدمات وارده در نتیجه تروریسم باعث اختلالات اقتصادی قابل توجهی می‌گردد. پیامدهای اقتصادی نامطلوب تروریسم بر افراد و جوامع، تأثیر متفاوتی دارد. تأثیرات اقتصادی فوری تروریسم را می‌توان برحسب تلفات جانی، تعداد مجروحین و تخریب اموال خصوصی و عمومی سنجید. فراتر از تأثیر فوری، تروریسم باعث ایجاد اختلالاتی گسترده‌تری در اقتصاد می‌شود که ممکن است ماه‌ها پس از حادثه تروریستی ظاهر شود. بسته به مقیاس و فراوانی رویدادهای تروریستی در یک کشور، تأثیر اقتصادی تروریسم بر رشد، سرمایه‌گذاری، مصرف و گردشگری تهدیدی جدی برای توسعه و رشد اقتصادی یک کشور است (بردول و اقبال^۳، ۲۰۲۰).

د) مطالعات اقتصادی تعارض

علم متداول اقتصاد عموماً حول مبادلات اقتصادی شکل گرفت که معمولاً برای دو طرف سودآور بوده و حالت برد-برد را برقرار می‌کند، اما اخیراً بخشی از اقتصاددانان به موضوعی متمایل شده‌اند که ماهیت آن متفاوت از حالت یاده شده است و این موضوع منازعات نظامی-زهم در سطح بین‌المللی و هم در سطح کشوری-است. حذف درگیری ابرقدرت‌ها موج اولیه امید و کاهش هزینه‌های نظامی را به همراه داشت، اما به سرعت مشخص شد که جهان هنوز یک مکان خطرناک است و جنگ و درگیری در بسیاری از نقاط جهان به صورت بومی باقی مانده است. درواقع نوع درگیری‌ها تغییر کرده است: درگیری بین‌دولتی، عموماً به درگیری درون‌دولتی تبدیل شده است و علاقه به نقش‌آفرینی نیروهای اقتصادی در جنگ‌های داخلی افزایش یافته است. این امر تا حدی منعکس‌کننده ماهیت در حال تغییر روابط بین‌الملل در طول زمان است، زیرا کشورهای مدرن در محیطی از درگیری بین‌المللی شکل گرفته‌اند. با توجه به مطالب عنوان شده اقتصاد تعارض شاخه‌ای از علم اقتصاد است که تخصیص منابع را از طریق جنگ خشونت‌آمیز، یعنی درگیری، در مدل‌های اقتصادی قرار می‌دهد (کولیر و هوفلر^۴، ۲۰۰۴).

¹ McCandless

² Glismann et al

³ Bardwell and Iqbal

⁴ Collier And Hoeffler

ه) اقتصاد حفظ صلح (سولمان و برکوک^۱، ۲۰۰۶)

تضاد، منجر به اختلال چشمگیر فعالیت‌های اقتصادی در هر دو سطح اقتصاد کلان و اقتصاد خرد می‌شود. برخی از پیامدهای اقتصادی شامل سطوح بالای بیکاری، نابرابری زیاد در توزیع منابع، ناامنی غذایی، از دست دادن و آسیب به سرمایه و زیرساخت‌های موجود و کاهش سرمایه‌گذاری است (بلمن و مگول^۲، ۲۰۱۰). گیتس و همکاران^۳ (۲۰۱۲) دریافته‌اند که جنگ، همچنین اثرات مضر بر پیشرفت در دستیابی به اهداف توسعه هزاره سازمان ملل، مانند کاهش فقر، گرسنگی، مرگ‌ومیر نوزادان، و دسترسی به آب و آموزش ابتدایی دارد. در حالی که جوامع توسعه‌یافته تنها بخشی از عملکرد قبل از جنگ خود را بازیابی می‌کنند، جوامع کمتر توسعه‌یافته بالاترین هزینه‌ها را متحمل می‌شوند و در دام فقر پایدار می‌افتند (کوگلر و همکاران^۴، ۲۰۱۳). عملیات حفظ صلح ممکن است جایگاه مهمی در کمک به کشورهای جنگ‌زده برای توسعه و حفظ نهادهای خود و احیای اقتصاد داشته باشد. بهبودهای واقعی در امنیت ناشی از مأموریت‌های حفظ صلح، باید فعالیت‌های اقتصادی کشورهای میزبان را در کوتاه‌مدت تقویت کند، و این در حالیست که مأموریت توسعه بلندمدت با برقراری نظم و قانون میسر می‌گردد (بو و همکاران^۵، ۲۰۱۸).

۲-۱-۲-۲. امنیت انرژی

انرژی یک منبع کلیدی برای توسعه اقتصادی و ثبات است که باید به‌طور مداوم و به مقدار کافی در دسترس باشد. امنیت انرژی ارتباط بین امنیت ملی و در دسترس بودن منابع طبیعی برای مصرف انرژی است. امنیت انرژی به عرضه قابل اعتماد و کافی انرژی اشاره دارد که به‌طور کامل نیازهای اقتصاد را برآورده می‌کند و با قیمت مناسب در دسترس است (بیلکی^۶، ۲۰۰۲). این تعریف دارای ابعاد فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است (کمیسون اروپا، ۲۰۰۰). امروزه مبحث امنیت انرژی از مباحث تأثیرگذار در اقتصاد جهانی و روابط بین دولتی است و در این بحث کانون‌های تولید، مصرف و نیز مسیرهای انتقال انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. از اینرو امنیت عرضه، تقاضا و انتقال انرژی در سطح بین‌الملل حائز اهمیت است و کشورهای دارای ذخایر انرژی یا دارای مسیرهای مناسب‌تر برای ترانزیت انرژی، از توان بالقوه تأثیرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردارند (اورلند^۷، ۲۰۱۶).

امنیت انرژی ابعاد مختلفی دارد یکی از ابعاد مهم آن بعد هزینه است. بعد هزینه معمولاً به‌عنوان مقرون به صرفه بودن خدمات انرژی در نظر گرفته می‌شود (قیمتی که باید برای انرژی پرداخت شود). اما می‌توان گفت این تنها یک پارامتر برای بعد هزینه است. پارامترهای دیگری نیز وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود. از

¹ Sulman and Berkok

² Blattman and Miguel

³ Gates et al

⁴ Kugler et al

⁵ Bove et al

⁶ Bielecki

⁷ Overland

آنجایی که بین انرژی و اقتصاد همبستگی بالایی وجود دارد، در ادامه به پارامترهای مختلف بعد هزینه پرداخته می‌شود (والنتینه^۱، ۲۰۱۱).

اولین پارامتر، رابطه بین قیمت انرژی و امنیت انرژی است. از نظر مصرف‌کنندگان نهایی و اقتصادی، قیمت ارزان‌تر انرژی بهتر است و باعث افزایش تولیدات صنعتی می‌گردد، رشد اقتصادی را افزایش داده و مصرف را تشویق می‌کند. به نظر می‌رسد این امر، امنیت انرژی را افزایش می‌دهد. اما از آنجایی که امنیت انرژی به شدت به سرمایه‌گذاری در مقیاس بزرگ متکی است، قیمت ارزان‌تر انرژی مشکلاتی را بر برنامه‌ریزی بلندمدت آن ایجاد می‌کند (الکیند^۲، ۲۰۱۰). همچنین، وجوه کمیاب، برای سرمایه‌گذاری تأثیر ساختاری بر قیمت‌های آبی و در نتیجه امنیت انرژی دارد. قیمت ارزان انرژی یک مشکل درازمدت است زیرا منجر به احساس کاذب امنیت می‌شود، مخصوصاً اگر تضمینی برای چنین قیمت‌های ارزانی برای آینده وجود نداشته باشد. در این صورت جوامع و خریداران در برابر هرگونه شوک قیمتی آسیب‌پذیر می‌شوند. در مقابل، افزایش قیمت انرژی، تقاضا برای آن را کاهش می‌دهد و توسعه منابع انرژی جایگزین را تشویق می‌کند، اما در عین حال رشد کشورهای واردکننده انرژی را محدود می‌کند. برای تولیدکنندگان، قیمت‌های ارزان‌تر به معنای درآمد کمتر است و ممکن است منجر به زیان اقتصادی شود. برای یک کشور، یک ملت یا یک جامعه، چنین ضررهای اقتصادی بر سایر خدمات و تولیدات تأثیر می‌گذارد (هوکس^۳، ۲۰۰۹)؛ بنابراین می‌توان گفت قیمت بالای انرژی در کوتاه‌مدت به معنای سود بیشتر، رشد در منابع جدید، و افزایش سرمایه‌گذاری است که می‌تواند برای ایجاد یک سیستم انرژی پایدار و دستیابی به امنیت انرژی مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، از سوی دیگر، درآمد بالاتر برای کشورهای صادرکننده انرژی می‌تواند باعث ایجاد "بیماری هلندی"^۴ شود. در مورد پارامتر اول (قیمت انرژی)، آخرین نکته ماهیت سیستم قیمت‌گذاری است. ثبات قیمت انرژی، نوسان قیمت، سیستم قیمت‌گذاری، فقر انرژی، و پیک

نفت بیشترین موضوعاتی هستند که بر سیستم قیمت‌گذاری انرژی تأثیر دارند (ازونی و بریر^۵، ۲۰۱۸). بر اساس پارامتر دوم مورد بحث در ادبیات، هزینه امنیت انرژی بر حسب اختلال در عرضه محاسبه می‌گردد. هر چه هزینه اختلال بیشتر باشد و هر چه بیشتر اتفاق بیفتد، امنیت سیستم کمتر است (زیتل و همکاران^۶، ۲۰۱۳).

سومین پارامتر این است که هزینه‌ی ایمن‌تر کردن یک سیستم انرژی چقدر است. امنیت انرژی هزینه دارد و رسیدن به آن به هر قیمتی مطرح نیست. نکات زیادی دخیل هستند: هزینه زیرساخت برای کل سیستم، هزینه اثرات زیست‌محیطی، هزینه‌ای که برای مراقبت‌های سلامتی و بهداشتی پرداخت می‌شود، هزینه استقرار نظامی برای حفاظت از منابع، هزینه آموزش مردم در مورد اقدام یا هزینه پرداختی جامعه از لحاظ رفاهی.

¹ Valentine

² Elkind

³ Hughes

⁴ dutch disease

⁵ Azzuni and Breyer

⁶ Zittel et al

مطالعه انگ و همکاران^۱ (۲۰۱۵) براساس تعاریف و مطالعات مربوط به امنیت انرژی، هفت بعد اصلی امنیت انرژی شناسایی کرده است. این ابعاد عبارتند از در دسترس بودن انرژی، زیرساخت‌ها، قیمت‌های انرژی، اثرات اجتماعی، محیط‌زیست، حاکمیت و کارایی انرژی.

۲-۱-۲. امنیت غذایی

امنیت غذایی، همانطور که توسط کمیته امنیت غذایی سازمان ملل متحد تعریف شده است، به این معناست که همه مردم در هر زمان، دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی داشته باشند که ترجیحات غذایی و نیازهای غذایی آنها را برآورده کند.

سه فاکتور اساسی برای تعیین وجود امنیت غذایی وجود دارد که عبارتند از: (هولمن^۲، ۲۰۱۹)

- در دسترس بودن فیزیکی غذا از طریق تولید، واردات، کمک، انتقال در داخل کشور.
- دسترسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به غذا؛
- و جذب غذا.

دسترسی فیزیکی به غذا در هر دو سطح کلان و خرد می‌تواند به دلیل کمبود تولید محلی، بلایای طبیعی و انسانی، تغییرات فصلی، کمبود آب، زیرساخت‌های ضعیف، ظرفیت‌های ذخیره‌سازی ناکافی، احتکار یا حتی مشکلات قانونی ایجاد شده و بر امنیت غذایی تأثیر منفی بگذارد. با این حال، دسترسی اجتماعی-اقتصادی به غذا می‌تواند به دلیل فقر، کمبود منابع، تغییرات آب و هوایی، بلایای طبیعی، بی‌ثباتی سیاسی و از دست دادن فرصت‌های معیشتی تحت تأثیر نامطلوب قرار گیرد. علاوه بر این، عدم عرضه مداوم اقلام غذایی یارانه‌ای، به دلیل کاهش تکیه‌گاه مالی^۳ (تکیه‌گاه مالی نشان‌دهنده پس‌اندازهایی است که زمان از دست دادن درآمد، از آن‌ها استفاده می‌شود)، نرخ پایین سواد، هنجارهای اجتماعی مانند تبعیض جنسیتی، و عدم آگاهی در مورد مزایای حفظ یک رژیم غذایی متعادل، می‌تواند بر توزیع تأثیر منفی بگذارد.

از منظر سازمان ملل، عواملی که مانع جذب مواد غذایی می‌شوند عبارتند از فقدان آب آشامیدنی تمیز، امکانات بهداشتی، بهداشت ناکافی، نرخ پایین سواد، و فقدان تکیه‌گاه مالی برای دولت‌ها به منظور صرف برنامه‌های توسعه بخش عمومی، که به اطمینان از ارائه خدمات اولیه کمک می‌کند. سایر عوامل همپوشانی دیگر نیز به بحران جهانی و رو به رشد غذا کمک می‌کنند (سازمان ملل، ۲۰۱۷).

عدم تلاش عمومی دول برای ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی، پیامدهای نامطلوب زیادی را در پی خواهد داشت و در کنار آسیب‌دیده‌گان، امنیت سایر کشورهای منطقه را نیز به مخاطره می‌اندازد. به بیان دیگر نه تنها خود کشور آسیب‌دیده از فقر خود دچار تنش می‌گردد که به دلیل اثرات جانبی^۴ که این آسیب‌ها در منطقه دارند، امنیت همگان را دچار اختلال می‌کنند.

¹ Ang et al

² Holman

³ financial cushion

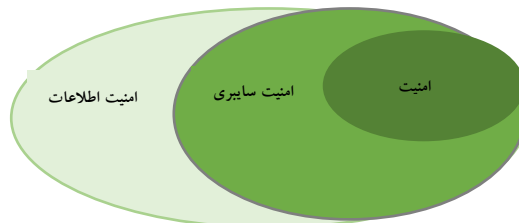
⁴ Side Effect

هر چهار سطح امنیت - فردی، ملی، منطقه‌ای و جهانی - متقابلاً برای بقای سایرین ضروری هستند. بیش از یک میلیارد نفر روی این کره خاکی که کمبود غذا دارند و هر روز ناامنی فردی را تجربه می‌کنند. افرادی که برای تأمین نیازهای اساسی و اولیه خود اعتراض می‌کنند و ممکن است به اقداماتی متوسل شوند که می‌تواند به خشونت و ناامنی تبدیل شود. تعداد کمی به فعالیت‌های ضد اجتماعی و مجرمانه دیگر مانند دزدی متوسل می‌شوند. در پاکستان و افغانستان نیز تعداد کمی، طعمه گروه‌های شبه نظامی می‌شوند و خود را به عنوان بمب‌گذار انتحاری منفجر می‌کنند. این رفتارها نه تنها نابداری و خشونت را ترویج می‌کند، بلکه منجر به بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی می‌شود که بر رشد و شکوفایی اقتصادی تأثیر می‌گذارد و امنیت ملی، منطقه‌ای و جهانی را تهدید می‌کند و در نتیجه افزایش هزینه‌های دفاعی و نظامی را ضروری می‌سازد. در این مرحله، ناامنی غذایی با تهدید صلح، عدالت اجتماعی و رفاه اقتصادی، توسعه پایدار را به خطر می‌اندازد (پاچاپور و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

۲-۱-۲-۴. امنیت اطلاعات

امنیت اطلاعات به بیانی ساده می‌تواند به‌عنوان جلوگیری از دسترسی به اطلاعات یا تغییر غیرمجاز آنها از یک ماشین به ماشین دیگر توصیف شود. این اطلاعات می‌تواند بیومتریک، نمایه رسانه‌های اجتماعی، داده‌های تلفن همراه و غیره باشد که به دلیل گستره بالا و حوزه‌های مشمول متفاوت، کماکان در حال توسعه و تحقیق گسترده است.

امنیت اطلاعات برای پوشش سه هدف محرمانه بودن، یکپارچگی و در دسترس بودن ایجاد شده است. داده‌ها، از جمله اطلاعات شخصی یا اطلاعات با ارزش بالا، باید محرمانه نگه داشته شوند و مهم است که همه دسترسی‌های غیرمجاز مسدود شوند. با حرکت به سمت یکپارچگی، داده‌های ذخیره شده باید به ترتیب صحیح نگهداری شوند و از این‌رو، هرگونه تغییر نامنظم توسط یک شخص غیرمجاز باید فوراً بلاک شود. در نهایت، ضروری است که داده‌های ذخیره شده در هر زمان بتواند توسط پرسنل مجاز قابل دسترسی باشد. امنیت اطلاعات ابر مجموعه‌ای از موضوعات مختلف است که از یک منظر می‌توان آنرا در قالب امنیت سایبری، امنیت شبکه و سایر موضوعات مورد مطالعه قرار داد.



شکل ۲. ارتباط امنیت اطلاعات، امنیت سایبری و امنیت شبکه

منبع: کاباندا^۲، ۲۰۱۸

¹ Pachapur et al

² Kabanda

الف) امنیت سایبری^۱

امروزه به صورت روزافزون و در تمامی جهان شاهد افزایش نفوذ عوامل خارجی به زیرساخت‌های حیاتی، انواع جاسوسی‌های صنعتی و اعلام وجود طیف وسیعی از هکرهای بی‌چهره هستیم که می‌توانند هزاران حساب بانکی را خالی و یا اطلاعاتش را به سرقت ببرند. علاوه بر این، اکنون امنیت اطلاعات به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک موضوع در سطح امنیت ملی در نظر گرفته می‌شود. امنیت سایبری را می‌توان به‌عنوان دفاع از رایانه‌ها، سرورها، دستگاه‌های تلفن همراه، سیستم‌های الکترونیکی، شبکه‌ها و داده‌ها در برابر حملات مخرب که از سازمان‌های تجاری گرفته تا دستگاه‌های شخصی را شامل می‌شود، تعریف کرد. حملات به دسته‌های مختلفی مانند امنیت شبکه، امنیت برنامه‌ها، امنیت اطلاعات، امنیت عملیاتی تقسیم می‌شوند. امنیت شبکه و امنیت برنامه به ترتیب بر ایمن‌سازی شبکه‌های کامپیوتری همراه با نرم افزار و دستگاه عاری از تهدید و آسیب‌پذیری تمرکز دارد (سما و همکاران، ۲۰۱۸).

حملات سایبری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد، مانند جرایم سایبری (با هدف قرار دادن منافع مالی)، حملات سایبری (بیشتر با اهداف سیاسی) و تروریسم سایبری (با هدف از میان برداشتن یک فرد حقیقی یا حقوقی). این حملات اغلب از طریق استفاده از رسانه‌های مختلف مانند بدافزارها که شامل ویروس، تروجان^۲، جاسوس افزارها، باج‌افزارها، ابزارهای تبلیغاتی مزاحم و بات‌نت‌ها می‌شود، تنظیم می‌شوند (کالا کانتا و همکاران^۳، ۲۰۱۹). حرکت رو به جلو، تزریق SQL، فیشینگ و حملات انکار سرویس راه‌های دیگری هستند که می‌توان نام‌گذاری کرد (سما و همکاران، ۲۰۱۸).

اقتصاد امنیت سایبری اصول اقتصاد را برای تجزیه و تحلیل مشکلات امنیت سایبری به کار می‌برد. به‌طور کلی، کار در این زمینه شامل توصیف بازار، معاوضه هزینه و فایده توسط فعالان منطقی بازار، تحلیل رفتار استراتژیک، مکانیسم‌های بازار، شکست‌ها و تأثیر اقتصادی مقررات توسط دولت‌ها است. تلاش‌های بیشتر به تجزیه و تحلیل دستاوردهای مالی به‌عنوان انگیزه برای جرایم سایبری، مدل‌سازی جرایم سایبری و تصمیمات سرمایه‌گذاری امنیت سایبری و مشکلات در حال افزایش در بخش بیمه اختصاص دارد. اصول مدیریت ریسک به منظور درک بهتر جنبه‌های اقتصادی امنیت سایبری بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد (گراس، ۲۰۱۷).

ب) امنیت شبکه^۴

امنیت شبکه روشی برای محافظت از قابلیت استفاده و یکپارچگی شبکه و داده‌ها می‌باشد. این روش‌ها شامل اصطلاحات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. امنیت شبکه مؤثر، دسترسی به شبکه را مدیریت می‌کند. تهدیدات

^۱ cyber security

^۲ تروجان یک برنامه‌ی کامپیوتری تهاجمی یا همان بدافزار می‌باشد. این نوع بدافزار به شکل‌های مختلف و با فریب کاربر وارد کامپیوتر کاربر می‌شود و به قسمت‌هایی از کامپیوتر کاربر که برای آن برنامه‌ریزی شده است حمله می‌کند

^۳ Kalakanta et al

^۴ Network security

مختلفی را هدف قرار می‌دهد و از ورود یا انتشار آنها در شبکه جلوگیری می‌کند. خطرات رایج امنیت شبکه (روآمو^۱، ۲۰۱۹):

- ویروس‌ها، کرم‌ها و تروجان‌ها
- عدم پذیرش به دلیل حمله به سرویس (DOS^۲).

۲-۱-۲. امنیت اقتصادی

در خصوص امنیت اقتصادی مباحثی در مقدمه مقاله بحث گردید که به دلیل تمرکز مقاله بر این مفهوم، به صورت دقیقتر و مبسوط تر بحث می‌گردد.

۲-۱-۲-۱. رابطه امنیت ملی و اقتصاد

امنیت ملی هر کشوری تابع و برآیندی از تعامل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی است. در محیط داخلی متغیرهایی نظیر ساختار حکومتی، سیستم اقتصادی، مؤلفه‌های قدرت، ایدئولوژی، و انسجام اجتماعی وجود دارند و در محیط خارجی متغیرهایی چون ساختار قدرت، ثبات یا بی‌ثباتی جهانی، نهادهای بین‌المللی، و سطوح همکاری و تقابل وجود دارد. این متغیرها به انحاء مختلف ممکن است در تعامل بوده و شرایط امنیت ملی یک کشور را تحت‌تأثیر قرار دهند (قنبرلو، ۱۳۹۷).

در آغاز دهه^۳ ۱۹۹۰، برخی متخصصین حوزه امنیت معتقد بودند که دنیا در حال ورود به عصری است که در آن اهمیت و جایگاه شاخص‌های اقتصادی در مفهوم امنیت به‌طور فزاینده‌ای بر ابعاد سنتی سیاسی و نظامی آن غالب می‌شود. بخش اعظم مسائل سیاسی هر کشور بر اساس رفاه و رونق اقتصادی بوده و جستجوی رفاه ملی همراه با برداشت‌های سنتی از امنیت، یکی از مسائل سیاست عالی یا دیپلماسی در بالاترین سطح آن است (نگین تاجی، ۱۳۹۰). بری بوزان^۴ به‌عنوان بنیانگذار مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ^۴ با انتقاد از آنچه آنرا برداشت ساده‌انگارانه از مفهوم امنیت می‌نامد، اظهار می‌دارد که برخلاف اعتقاد رئالیست‌ها به کسب امنیت از طریق کسب قدرت و یا اعتقاد آرمانگرایان به تأمین امنیت از طریق صلح، اکنون نیاز به ارائه یک دیدگاه میانه که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد به عنوان بهترین تعریف برای مفهوم امنیت ضروری می‌باشد (آدرشب و همکاران، ۱۳۹۶).

در تأمین امنیت ملی، نگرش‌ها بیش از پیش معطوف به قوانین اقتصادی است و تأمین امنیت ملی در گرو بهبود وضعیت اقتصادی تلقی می‌شود. از این رو، مالکیت خصوصی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و به‌این ترتیب، مفهوم دولت و جایگاه آن در تأمین امنیت ملی دستخوش تحول شده است. امروزه در عصر جهانی شدن اقتصادها، اتحادها، ائتلاف‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها، با

¹ Ruambo

² Denial of Service Attacks

³ Barry Buzan

⁴ Copenhagen

معیارهای اقتصادی معنا می‌یابد. با وجود رقابت بر سر منافع در بطن مسائل اقتصادی، اقتصاد به عنوان یک اهرم امنیت بین‌الملل، از چیرگی و نقشی بی‌بدیل برخوردار شده است (نگین تاجی، ۱۳۹۰).

۲-۲-۱-۲. مفهوم امنیت اقتصادی

در سال‌های اخیر واژه امنیت و ابعاد آن جامع‌تر شده و غیر از تهدیدهای نظامی، تروریسم و ...، تهدید امنیت اقتصادی و بی‌ثباتی اقتصادی از جمله تهدیدهای اساسی دنیای امروز است. در دهه ۱۹۷۰ با شروع بحران نفتی، جامعه بین‌الملل پی برد که بدون اقتصادی باثبات نمی‌توان احساس امنیت کرد. به دلیل ویژگی‌های چند جانبه و چند بعدی، تعریف واحدی از امنیت اقتصادی وجود ندارد. اما می‌توان با شناسایی ویژگی‌های خاص آن، تصویر کلی از معنای این مفهوم ارائه داد. نامنی اقتصادی به شرایط ناشی از فقدان سلامت اقتصادی اطلاق می‌شود که نتوان در برابر زبان‌های اقتصادی عمده از خود حفاظت کرد. از آنجا که این تعریف ذهنی و آینده‌نگر است، دامنه امنیت اقتصادی با تغییراتی روبه‌رو بوده است. در اعلامیه حقوق بشر آمده است: "هر کس حق دارد که خود و خانواده‌اش از استاندارد شایسته سلامت و رفاه؛ شامل غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری و داشتن تأمین در مواقع بیکاری، بیماری، ناتوانی، بیوه شدن، پیری و سایر زبان‌های محتمل در شرایط خارج کنترل خود برخوردار باشد" (سیف، ۱۳۹۰). بنابراین در یک جمع‌بندی کلی از مفهوم و تعاریف ارائه شده از امنیت اقتصادی می‌توان امنیت اقتصادی را وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده دانست که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید و توزیع و مصرف ثروت می‌پردازد.

امنیت اقتصادی مفهومی پیچیده و پویا است. پیچیدگی آن ناشی از انبوهی از فرآیندها و پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، مالی است و پویایی آن ناشی از سرعت سریع فرآیندها و پدیده‌های اقتصادی در سطح ملی و جهانی است. امنیت اقتصادی به معنای حفظ منافع حیاتی جامعه، دولت و شهروندان و نیز حفظ ارزش‌ها و شیوه زندگی ملی در برابر تهدیدهای خارجی و داخلی است. امنیت اقتصادی حق اساسی انسان است. حالتی است که خطرات و تهدیدها برای محافظت از افراد و جوامع کنترل می‌شوند (کوبر^۱، ۱۹۹۵).

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی، ثبات اقتصادی است. نکته مهم در تحلیل ثبات و امنیت اقتصادی، چگونگی آسیب‌پذیری نظام اقتصادی در برابر مخاطرات داخلی و خارجی موجود و راه‌حل‌های ایمن-سازی اقتصاد است. به عبارت دیگر می‌توان گفت ثبات اقتصادی و امنیت ملی هر کشور وابسته به کارکرد مؤثر و مقاوم سیستم اقتصادی کشور در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی موجود است. در گزارش مجمع جهانی اقتصاد سال ۲۰۱۹ میلادی که به موضوع تاب‌آوری اقتصادی اشاره شده است، ۵۱ مخاطره‌ی مؤثر در عدم ثبات کشورها معرفی شد. یکی از پنج سرفصل اصلی مخاطرات گزارش شده مربوط به مخاطرات اقتصادی و یکی از ۱۱ مخاطره اقتصادی نوسانات قیمت انرژی و امنیت انرژی ذکر شده است (پادم و نوراحمدی، ۱۳۹۵). از دیگر مخاطره‌های در حال حاضر کشورهایی همچون ایران، موضوع تحریم‌های اقتصادی و تأثیر آن بر بدنه‌ی اقتصاد و در نتیجه مطرح شدن موضوع اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راه‌حل تحریم اقتصادی و رسیدن به امنیت

^۱ Kober

اقتصادی است. در ادامه به بررسی دو بعد تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی یعنی امنیت انرژی و اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود.

۲-۱-۳. سطوح و شاخص‌های امنیت اقتصادی

برای ارائه تصویر جامع‌تر از مفهوم امنیت اقتصادی لازم است، عوامل تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی در سه حوزه مهم کلان، میانی و خرد مشخص گردد. جدول (۱) به ارائه این تصویر جامع از عوامل تعیین‌کننده امنیت اقتصادی می‌پردازد.

جدول شماره (۱) تقسیم‌بندی عوامل امنیت اقتصادی

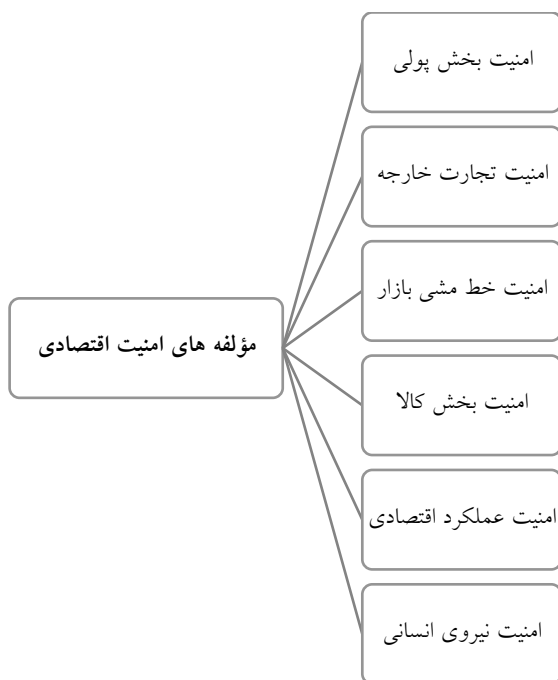
عوامل کلان	عوامل میانی	عوامل خرد	بازیگران تعیین‌کننده
دولت روابط میانی دولت‌ها جهانی	شرکت‌ها، بنگاه‌ها و مجتمع‌های تجاری	جوامع، اشخاص انفرادی	
ثبات بازارهای دولتی، تجارت آزاد، رقابت، توسعه پایدار، رشد GDP، بهره‌وری، نرخ‌های پایین تورم، ثبات نرخ‌های ارز، تعادل تراز پرداخت‌ها، نداشتن بدهی، موهبت‌های پایدار عوامل تولید (نفت و گاز و...)، اجتناب و مقابله با حملات سوداگرانه به بازار و حل مسائل مرتبط با مواد مخدر	ثبات محیط اقتصاد کلان، ابداع و اختراع جدید، بازاریابی، انضباط مالی و پرداخت دیون، انعطاف‌پذیری موهبت‌های پایدار عوامل تولید، انتشار تکنولوژی، انعطاف اداری، نرخ‌های باثبات ارز، تولید کم هزینه، مسائل اخلاقی، دانش حداقل‌سازی تولیدات بازار سیاه	ثبات محیط اقتصاد کلان دولت، ثبات غذا، آب، مسکن، مسکن اجاره‌ای، ثبات و امنیت شغل، دستمزدهای منصفانه و باثبات اعتماد در مؤسسات، حداقل‌سازی فقر مطلق و نسبی، حداقل‌سازی محرومیت اجتماعی (حداکثر کردن اعتبار افراد) آموزش و پرورش، حداقل‌سازی ترس و هراس، انتقال آزادانه افراد، کنار گذاشتن دور باطل زندگی استاندارد و اشتغال	عوامل تعیین‌کننده

منبع: سیف، ۱۳۹۰

در جدول فوق برخی شرایط ضروری برقراری روابط امنیت اقتصادی، ارائه شده است. باید توجه کرد برخی از این عوامل از برخی دیگر بیشتر مربوطاند و برخی از آنها نیز با برخی متضادند. از این‌رو، غیرممکن است همزمان بتوان همه عوامل مهم را برآورده ساخت و محقق کرد. بنابراین تنها راه برای دستیابی به امنیت اقتصادی آن است که عوامل مختلف را به هم ارتباط داده و سعی در اجرای آنها داشته باشیم (سیف، ۱۳۹۰).

۲-۱-۲. مؤلفه‌های امنیت اقتصادی

وظایف اقتصادی یک نظام اقتصادی ایجاد صلح اساساً به معنای احیاء، تداوم و توسعه نظام اقتصادی است. براساس مطالعات انجام شده در حوزه امنیت اقتصادی، اصلی‌ترین مؤلفه‌های امنیت اقتصادی را به شکل زیر می‌توان تقسیم‌بندی نمود.



شکل شماره (۳) الگوی کلی سنجش امنیت اقتصادی

منبع: رشیدی و همکاران، ۱۳۹۴

امنیت بخش پولی را می‌توان پایین بودن نرخ تورم، ثبات نرخ ارز، کارکرد سالم نظام بانکی و غیره تفسیر نمود (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۴). از جمله متغیرها و مؤلفه‌های امنیت تجارت خارجه می‌توان به تراز تجاری، تراز پرداخت‌ها، تحریم‌های بین‌المللی، سهم تجارت نفتی از کل تجارت و ... اشاره نمود (کوبر، ۱۹۹۵). درجه رقابتی بودن اقتصاد، سهم دولت از اقتصاد و میزان شفافیت از متغیرهای مهم امنیت خط مشی بازار به‌شمار می‌روند (زها^۱، ۱۹۹۹). واردات و مالیات بر کالا و خدمات از شاخص‌های امنیت کالاهای اساسی هستند (مصطفوی، ۱۳۸۹). امنیت عملکرد اقتصادی را می‌توان با متغیرهای چون، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، ارزش افزوده اقتصادی و رشد تولید ملی نشان داد و امنیت نیروی انسانی نیز با متغیرهایی چون بیکاری، ضریب

^۱ Zha

جینی، شاخص هزینه کرایه مسکن، شاخص بهداشت و سلامت و ... سنجیده می‌شود (هاکر و همکاران^۱، ۲۰۱۲). تغییر در هر یک از متغیرهای مطرح شده امنیت اقتصادی و به تبع آن امنیت ملی و اقتصاد امنیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۲-۱-۳. تفاوت اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی (ارتباط اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی)

با در نظر گرفتن توضیحات مطروحه، باید بین امنیت اقتصادی که مربوط به کلیه قوانین و فعالیت‌های تضمین-کننده عملکرد صحیح اقتصاد یک کشور است که بر امنیت اقتصادی جوامع و افراد، یعنی کیفیت مالی و اقتصادی زندگی آنها تأثیر می‌گذارد (کوال و همکاران^۲، ۲۰۱۹) و اقتصاد امنیت که به گردهمایی نظام‌های اجتماعی و سیاسی یک کشور و حتی همکاری کشور با سازمان‌ها و ارگان‌های بین‌المللی به منظور تأمین امنیت مردم اطلاق می‌شود، تمایز قائل شد.

در حالی که هدف امنیت اقتصادی تضمین شرایط مناسب برای حفظ فعالیت‌های اقتصادی در پارامترهای عادی، رفع آسیب‌پذیری‌ها، مقابله با انواع هجمه‌ها و تضمین حفاظت استراتژیک است، اقتصاد امنیت شامل تمامی مؤلفه‌های تأمین منافع حیاتی کشور، امنیت ملی و هزینه مربوط به آن می‌باشد (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که امنیت اقتصادی زیر بخشی از حوزه اقتصاد امنیت می‌باشد (ایوان فرنس و آندری دیامسکو، ۲۰۱۰).

۲-۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در این مطالعه در دو حوزه عوامل و مؤلفه‌های اساسی امنیت ملی و مؤلفه‌های امنیت اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. امنیت ملی

مارکینا و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای به تعریف ابعاد امنیت ملی، امنیت مالی و زنجیره تأمین مواد غذایی در اوکراین پرداختند. براساس نتایج این پژوهش، مولفه‌های اصلی امنیت ملی شامل امنیت نظامی ملی، امنیت اقتصادی (شامل امنیت زنجیره تأمین مالی و غذایی)، امنیت سایبری به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از امنیت اطلاعات و ثبات اجتماعی، می‌گردد.

الرواشد^۴ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان امنیت ملی عرب (ابعاد، برداشت‌ها، چالش‌ها، خطرات و استراتژی آینده)، از جمله مشکلات امنیت ملی در دنیای عرب، عدم ثبات سیاسی به دلیل دخالت محدود کشورهای خارجی و نبود روحیه ملی در قلب مردم جهان عرب و مشکلات اقتصادی مهاجرت پول اعراب به بازارهای غربی، شکست برنامه‌های توسعه و عدم وجود توسعه فناوری می‌باشد.

¹ Hacker et al

² Koval et al

³ Markina et al

⁴ Al-Rawashdeh

آقامحمدی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان شناسایی و اولویت‌بندی عوامل راهبردی مؤثر بر آمایش سرزمین از منظر امنیت ملی (مورد مطالعه: منطقه جنوب شرق ایران)، با تجزیه تحلیل آماری در رتبه‌بندی حاصل از آزمون فریدمن عوامل مدیریت سرزمین، فعالیت‌های اقتصادی (سطح رفاه عمومی) و جمعیت را جز عوامل استراتژیک مؤثر بر امنیت منطقه جنوب شرق ایران معرفی کرد.

زارع و امیری (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان پویایی‌شناسی تأثیر عوامل منتخب امنیت غذایی بر امنیت ملی به این نتیجه رسیدند، سلامت و کیفیت مواد غذایی و سرعت پاسخگویی تأثیر مثبت و قیمت واحد تأثیر منفی بر امنیت ملی دارند، همچنین متغیر سرانه مصرف تا رسیدن به حد تعادل دارای تأثیر مثبت و بیشتر از حد تعادل دارای تأثیر منفی بر آن است.

صادقی و نادری (۱۳۹۵) در پژوهش خود ابعاد متعددی برای امنیت بر شمرده‌اند و معتقدند که امنیت در هر زمانی ابعاد متفاوتی دارد؛ از نظر آنها وجوه مختلف امنیت ملی ایران در قرن بیست و یکم عبارتند از: "امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی که شامل امنیت غذایی، توجه به طبقات محروم، سرمایه‌گذاری خارجی، امنیت فرهنگی، امنیت زیست محیطی"

مطالعات انجام شده در حوزه امنیت ملی بر چند وجهی بودن این مفهوم تأکید دارند. براساس این مطالعات مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی را می‌توان در بخش نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و اطلاعات دسته‌بندی کرد.

۲-۲-۲. امنیت اقتصادی

سیمان‌اویچینه و استانکوویچوس^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان امنیت اقتصادی و رقابت ملی، رفاه یک کشور به‌عنوان فاکتور اساسی امنیت اقتصادی، با درآمد سرانه و چشم‌انداز اشتغال/بیکاری اندازه‌گیری می‌شود. کارانینا و لوجینو^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان شاخص‌های امنیت اقتصادی منطقه: رویکردی مبتنی بر ریسک برای ارزیابی و رتبه‌بندی، شاخص‌های همچون تورم، تولید ناخالص داخلی، بودجه، بیکاری، بهره‌وری نیروی کار، فقر، واردات غذا، بهره‌وری صنعت و ... را از شاخص‌های اساسی در اندازه‌گیری امنیت اقتصادی معرفی کردند.

هاروست و ملنیک^۳ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان امنیت اقتصادی کشور: بازاریابی، عوامل نهادی و سیاسی نشان دادند که عدم تعادل سیاسی و نهادی، بازاریابی امنیت اقتصادی کشور را محدود می‌کند. در این صورت دولت باید علاوه بر پارامترهای اقتصادی، بازاریابی و نهادی را نیز در توسعه سازوکار افزایش سطح امنیت اقتصادی کشور در نظر بگیرد.

آرفیوا و همکاران^۴ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان نظام امنیت اقتصادی در شرایط تحول قوا، نشان می‌دهند که سیستم امنیت اقتصادی دارای زیر سیستم‌های تولیدی، مالی، زیست‌محیطی، نوآوری، سرمایه‌گذاری و اجتماعی

¹ Simanavičienė & Stankevičius

² Karanina & Loginov

³ Harust & Melnyk

⁴ Arefieva et al

است. پارامترهای نظام امنیت اقتصادی شامل استقلال نسبی اقتصادی، ثبات اقتصادی و خودتوسعه نظام‌های اقتصادی است.

کلیمینکو و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان مکانیسم‌های مالی برای تحریک اقتصاد واقعی در سیستم امنیت اقتصادی جهانی، شاخص‌های ارزش افزوده ناخالص، سرمایه‌گذاری، اشتغال، ارزش دارایی‌ها و مالیات از فاکتورهای اساسی اندازه‌گیری امنیت اقتصادی معرفی کرد.

تاجی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان شاخص‌های اقتصادی و امنیت ملی ایران، درآمد ملی، بیکاری و تورم را به‌عنوان سه شاخص اصلی موثر بر امنیت ملی معرفی کرد.

رشیدی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان طراحی الگوی سنجش امنیت اقتصادی کشور، نشان داد که در مجموع ۲۵ متغیر بر ایجاد امنیت اقتصادی در کشور مؤثرند که این متغیرها را می‌توان ذیل ۷ مقوله دسته‌بندی نمود که عبارتند از: بخش پولی، بخش تأمین کالای اساسی، تجارت خارجی، خط مشی بازار، عملکرد اقتصادی، نیروی انسانی و شرایط مساعد محیط اقتصادی.

عزیزی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان نقش راهبردی شاخص‌های امنیت اقتصادی در تقویت امنیت ملی کشور (مطالعه موردی: نقش مرزبان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران) نشان دادند که ضرورت توجه معیارهای اقتصاد مقاومتی، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی بومی، شفافیت و تسهیل رویه‌های گمرکی به‌ویژه برای صادرکنندگان در کنار سایر عوامل می‌تواند در جهت ارتقای امنیت اقتصادی کشور مؤثر واقع شود.

امروزه بُعد اقتصادی امنیت ملی به‌تدریج به‌عنوان نقطه مرکزی امنیت ملی درآمده است. بُعد اقتصادی امنیت ملی که به امنیت اقتصادی مشهور است یکی از وجوه اصلی امنیت ملی محسوب می‌شود. براساس مطالعات انجام شده در این حوزه، امنیت اقتصادی، حمایت از منافع اقتصادی یک کشور برای مانع شدن از اقدامات، فعالیت‌ها و حوادث تهدیدکننده این منافع است. مفهوم امنیت اقتصادی براساس آنچه در ادبیات پژوهش بررسی گردید یک مفهوم چند بعدی است که هر یک از ابعاد آن با شاخص‌های مختلفی اندازه‌گیری می‌شود. از جمله فاکتورهای اساسی امنیت اقتصادی براساس پیشینه پژوهش تورم، تولید ناخالص داخلی، بودجه، بیکاری، بهره‌وری نیروی کار، فقر، رفاه و ... می‌باشند. بررسی تأثیر و اهمیت هر یک از ابعاد و زیر سیستم‌های امنیت اقتصادی بر اقتصاد امنیت و امنیت ملی موضوعی است که جای خالی آن در ادبیات پژوهش در حوزه امنیت دیده می‌شود.

جدول شماره (۲) جمع‌بندی پیشینه پژوهش

نویسندگان	فاکتورهای اساسی امنیت اقتصادی
کلیمینکو و همکاران (۲۰۲۱)	ارزش افزوده ناخالص، سرمایه‌گذاری، اشتغال، ارزش دارایی‌ها و مالیات
آرفیوا و همکاران (۲۰۲۱)	استقلال نسبی اقتصادی، ثبات اقتصادی و خودتوسعه نظام‌های اقتصادی
هاروست و ملنیک (۲۰۱۹)	تعادل سیاسی و نهادی بازاریابی

¹ Klimentko et al

نویسندگان	فاکتورهای اساسی امنیت اقتصادی
کارائینا و لوجینو (۲۰۱۸)	تورم، تولید ناخالص داخلی، هزینه، بودجه، بیکاری، بهره‌وری نیروی کار، فقر، واردات غذا، بهره‌وری صنعت
سیماناویچینه و استانکوویچوس (۲۰۱۷)	رفاه، اشتغال و تورم
عزیزی و همکاران (۱۳۹۷)	ضرورت توجه معیارهای اقتصاد مقاومتی، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی بومی، شفافیت و تسهیل رویه‌های گمرکی به‌ویژه برای صادرکنندگان
رشیدی و همکاران (۱۳۹۴)	نرخ تورم، کارکرد سالم نظام بانکی (میزان بدهی‌های معوق به کل تعهدات)، ثبات نرخ ارز، حجم نقدینگی، کسری بودجه، تامین مواد غذایی و دارویی (موجودی انبار، وابستگی واردات)، تراز تجاری، تحریم‌های بین‌المللی، سهم تجارت غیرنفتی و غیرمعدنی از کل صادرات، درجه رقابتی بودن اقتصاد، سهم دولت از اقتصاد، میزان شفافیت، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، ارزش افزوده اقتصاد، شاخص بیکاری، ضریب جینی، شاخص بهداشت و سلامت، ثبات سیاسی، حجم سرمایه‌گذاری خارجی و ...
نگین تاجی و همکاران (۱۳۹۰)	بیکاری، تورم و درآمد ملی

منبع: یافته‌های پژوهش

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر مؤلفه‌های اساسی امنیت اقتصادی بر اقتصاد امنیت در کشورهای با درآمد پایین^۱ طی دوره ۲۰ ساله ۲۰۰۰-۲۰۲۰ می‌باشد. براساس تعریف ارائه شده بانک جهانی، کشورهای کم درآمد کشورهای هستند که ضعیف‌ترین اقتصادها را بر اساس ارزیابی بانک جهانی در سراسر جهان، دارند. برای تحلیل مؤلفه‌های اساسی امنیت اقتصادی بر اقتصاد امنیت ابتدا باید شاخصی برای کمی نمودن اقتصاد امنیت به‌عنوان متغیر وابسته الگو معرفی نمود. از آنجا که مطالعات آکادمیک حوزه اقتصاد امنیت عموماً قدمت زیر ۳۰ ساله داشته هنوز شاخص واحدی برای سنجش اقتصاد امنیت توسط مراجع بین‌الملل در نظر گرفته نشده است. اما با استناد به مطالعات جین-مارک و همکاران^۲ (۲۰۰۰) و اینکه شاخص امنیت ملی که براساس گزارشی این شاخص برای کشورهای با درآمد پایین توسط بانک جهانی ارائه شده است، بیشترین شباهت را در مفهوم و زیر مجموعه‌های اندازه گرفته شده با مفهوم اقتصاد امنیت (که براساس مطالعه ایون و همکاران (۲۰۱۰) کلی‌تر و کلان‌تر از امنیت اقتصادی بوده و لذا می‌تواند پروکسی قابل اعتمادی برای آن تلقی شود) دارد، در این مقاله از این شاخص به‌عنوان پروکسی برای سنجش اقتصاد امنیت استفاده می‌گردد.

با توجه به جدول ۲ در قسمت پیشینه پژوهش و مطالعات انجام شده در خصوص شاخص‌های امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد درآمد ناخالص ملی سرانه، هزینه‌های مصرف نهایی دولت، رشد هزینه

¹ low income countries

² Jean-Marc et al

مصرفی خانوار، تورم، رفاه و مالیات بر کالا و خدمات به‌عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تمامی داده‌های این پژوهش از سایت بانک جهانی و برای سال ۲۰۰۰-۲۰۲۰ جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و مدل‌سازی از نرم‌افزار Eviews10 استفاده شده است. در این پژوهش به‌دلیل ماهیت داده‌های مورد استفاده، از روش تجزیه و تحلیل داده‌های تابلویی استفاده شده است.

$$NSI_{it} = \alpha_{it} + fdi_{it} + GNI_per_{it} + Gce_{it} + hc_{it} + inf_{it} + W_{it} + tax_{it}$$

جدول شماره (۳) داده‌های آماری

منبع	تعریف	شاخص	نماد
govdata360.worldbank.org	امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید.	امنیت ملی	NSI
databank.worldbank.org	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (اختصاری FDI) عبارت است از سرمایه‌گذاری یک شرکت یا شخص حقیقی در کشوری دیگر جهت تجارت یا تولید	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	fdi
databank.worldbank.org	GNI مجموع ارزش افزوده همه تولیدکنندگان مقیم به اضافه هرگونه مالیات بر محصول (با کاهش یارانه) است که در ارزیابی تولید به اضافه خالص دریافتی‌های درآمد اولیه (غرامت کارکنان و درآمد دارایی) از خارج لحاظ نشده است.	رشد درآمد ناخالص ملی سرانه	GNI_per
databank.worldbank.org	هزینه مصرف نهایی (FCE) دولت مخارج دولت برای ارائه خدمات و کالاها به‌طور مستقیم	هزینه‌های مصرف نهایی دولت	Gce

منبع	تعریف	شاخص	نماد
	برای کشور است. این شامل هزینه‌های اداره مدارس، بیمارستان‌ها، زندان‌ها، گاردها، ارتش، مسکن اجتماعی و بقیه خدمات عمومی می‌شود.		
databank.worldbank.org	مخارج مصرف نهایی خانوار شامل مخارجی است که خانوار مقیم برای کالاها یا خدماتی که برای ارضای نیازها یا خواسته‌ها استفاده می‌شود، انجام می‌شود.	رشد هزینه مصرفی خانوار	hc
databank.worldbank.org	تورم اندازه‌گیری شده توسط شاخص قیمت مصرف‌کننده نشان‌دهنده درصد تغییر سالانه در هزینه مصرف‌کننده متوسط برای دستیابی به سبدهی از کالاها و خدمات است که ممکن است در بازه‌های زمانی مشخص، مانند سالانه، ثابت یا تغییر کند.	تورم	inf
govdata360.worldbank.org	شاخص رفاه که شاخصی ترکیبی در حوزه‌های مختلفی چون سلامت، آموزش، اقتصاد و ... است، نشان‌دهنده سطح مطلوب زندگی افراد یک جامعه است. از شاخص رفاه برای نشان دادن مؤلفه امنیت انسانی استفاده می‌گردد	رفاه	W
databank.worldbank.org	مالیات بر کالاها و خدمات عبارت است از کلیه مالیات‌هایی که بر تولید،	مالیات بر کالا و خدمات	tax

منبع	تعریف	شاخص	نماد
	استخراج، فروش، انتقال، اجاره یا تحویل کالاها و ارائه خدمات یا استفاده از کالا یا اجازه استفاده از کالا یا انجام فعالیت‌ها وضع می‌شود.		

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص امنیت ملی: امنیت ملی به لحاظ گستردگی مفهوم، بسیط‌تر از اقتصاد امنیت است و شامل تمامی جنبه‌ها و ابعاد مربوط به اقتصاد امنیت می‌باشد. در واقع امنیت ملی شامل ابعاد نظامی و ابعاد غیرنظامی، از جمله امنیت در برابر تروریسم، به حداقل رساندن جرم، امنیت اقتصادی، امنیت انرژی، امنیت محیطی، امنیت غذایی و امنیت سایبری می‌شود. بنابراین شاخص امنیت ملی می‌تواند پروکسی مناسبی برای بیان وضعیت اقتصاد امنیت یک کشور باشد (مارکینا، ۲۰۱۹).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از شاخص‌هایی است که سطح امنیت فضای اقتصادی کشور را نشان می‌دهد. میزان سرمایه‌گذاری در یک کشور به شدت بر امنیت اقتصادی آن کشور تأثیرگذار است. بر اساس رویکرد بنیاد هریتیج^۱ نیز سرمایه‌گذاری خارجی یکی از عوامل مهمی است که بیانگر اوضاع اقتصادی و امنیت اقتصادی یک کشور است. براساس مطالعه کوبر (۱۹۹۵)، این متغیر به عنوان نماینده‌ای از مؤلفه‌ی امنیت تجارت خارجی در نظر گرفته می‌شود.

رشد درآمد ناخالص ملی سرانه: درآمد ملی وسیله مؤثری برای اندازه‌گیری فعالیت اقتصادی یک جامعه و سنجش درجه رفاه اقتصادی مردم بوده و از اینرو درآمد ملی را می‌توان به‌عنوان نماینده میزان رشد، توسعه و تا حدودی رفاه اقتصادی یک جامعه دانست (تفضلی، ۱۳۸۰) درآمد ملی به معنی افزایش درآمد سرانه کشور و یا به‌عبارتی‌دیگر، کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی بوده که این به مشروعیت بیشتر دولت در نزد آحاد جامعه کمک کرده و در نتیجه به ایجاد یک فضای امن و توأم با آرامش در جامعه می‌انجامد که این به معنی بالا رفتن امنیت ملی در بعد داخلی است (تاجی و همکاران، ۱۳۹۰)

هزینه‌های مصرف نهایی دولت: هزینه‌ی مصرفی دولت را می‌توان پروکسی از میزان دخالت دولت در اقتصاد در نظر گفت که طبق معیار بنیاد هریتیج از شاخص‌های اندازه‌گیری امنیت اقتصادی است. سهم دولت در اقتصاد، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در امنیت خط‌مشی بازار عنوان شده است. که در این مطالعه این متغیر به عنوان پروکسی از این مؤلفه مورد استفاده قرار می‌گیرد (زها، ۱۹۹۹)

¹Heritage

رشد هزینه مصرفی خانوار: هزینه‌ی مصرفی خانوار، هزینه مصرف کالاها و خدمات توسط خانوارهای مقیم است اعم از این‌که در داخل قلمرو اقتصادی یا در خارج از آن صورت گرفته باشد.

تورم: تورم؛ اثرات تعیین‌کننده‌ای بر توسعه، تولید و تجارت داشته و می‌تواند توسعه اقتصادی را با خطر جدی مواجه سازد. آثار زیانبار تورم تنها به کاهش قدرت رقابت تولیدات ملی در بازارهای داخلی و جهانی، کاهش صادرات و افزایش واردات و کسری بیشتر موازنه تجاری محدود نمی‌گردد، بلکه تورم دارای آثار منفی غیرقابل برگشتی بر تخصیص منابع و عوامل تولید دارد (تاجی و همکاران، ۱۳۹۰). این متغیر نشان‌دهنده‌ی امنیت بخش پولی یک کشور است (رشدی و همکاران، ۱۳۹۵)

رفاه: در یک نگاه کلی امنیت اقتصادی فضایی است برآمده از یک نظام متشکل از نهادهای کارآمد مالی، قضایی و اداری، سیاستگذاری‌های مناسب، باثبات و قابل اعتماد دولت، قانونگذاری شفاف و به‌جا که، فضای مناسب را برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰). شاخص رفاه که شاخصی ترکیبی در حوزه‌های مختلفی چون سلامت، آموزش، اقتصاد و ... است، نشان‌دهنده‌ی سطح مطلوب زندگی افراد یک جامعه است. از شاخص رفاه برای نشان دادن مؤلفه امنیت انسانی استفاده می‌گردد (هاکر و همکاران، ۲۰۱۲).
مالیات بر کالا و خدمات: یکی از اصلی‌ترین اهداف جمع‌آوری مالیات تأمین هزینه‌های دولت است. به عبارتی هرچقدر نظام مالیاتی یک کشور کارآمدتر باشد، راه‌های دیگر تأمین هزینه‌ها مانند فروش منابع ملی توجیه اقتصادی کمتری برای دولت‌ها خواهد داشت. همچنین مالیات‌ها باعث توزیع مجدد درآمد در سطح جامعه می‌گردند. براساس مطالعه‌ی کلیمتو و همکاران (۲۰۲۱) متغیرهای مالیاتی از متغیرهای اساسی اندازه‌گیری میزان امنیت اقتصادی یک کشور هستند. براساس مطالعه مصطفوی (۱۳۸۹)، مالیات‌ها یکی از شاخص‌های اساسی امنیت کالاهای اساسی از مؤلفه‌های امنیت اقتصادی است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۴-۱. آزمون آماری

در مطالعه حاضر برای بررسی میزان توضیح‌دهندگی امنیت اقتصادی برای اقتصاد امنیت از مدل رگرسیونی پانل دیتا استفاده شده است. در تخمین الگوهای پانل دیتا فرض بر این است که داده‌های مورد استفاده استقلال مقطعی^۱ دارند. این پیش‌فرض همانند سایر فروض می‌تواند برقرار نباشد، بنابراین نخستین مرحله در اقتصادسنجی داده‌های پانلی انجام آزمون استقلال مقطعی است، زیرا در صورت وجود وابستگی مقطعی استفاده از روش‌های مرسوم ریشه واحد پانلی احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش می‌دهد. در این مطالعه برای بررسی استقلال یا وابستگی مقطعی از آزمون وابستگی مقطعی پسران (۲۰۰۰) استفاده شده است. فرض صفر این آزمون عدم وجود وابستگی مقطعی و فرض یک آن وجود وابستگی مقطعی می‌باشد.

^۱ Cross- Sectional Independence

با توجه به نتایج این آزمون، مقدار آمار این آزمون برابر با ۳.۸۳۲۸ است که با توجه به سطح معناداری آن، فرض صفر مبنی بر عدم وجود وابستگی مقطعی رد شده، و فرض یک مبنی بر وابستگی مقطعی قبول می‌شود.

جدول شماره (۴) نتایج آزمون وابستگی مقطعی

آماره آزمون	.Prob
۳/۸۳۲۸	۰/۰۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

حال با توجه به اثبات وابستگی مقطعی در مدل، از آماره CIPS پسران برای بررسی وجود یا فقدان ریشه واحد استفاده شده است.

جدول شماره (۵) نتایج آزمون ایستایی داده‌های پل

درجه مانایی	آماره cips		متغیر
	در سطح		
	با وجود عرض از مبدا و روند	با وجود عرض از مبدا	
I(0)	-۳/۶۸۲۵	-۱/۶۹۶	NSI
I(0)	-۲/۳۵۶۹۸	-۲/۲۳۶۴۱	fdi
I(0)	-۳/۱۶۹۷۲	-۱/۵۶۹۸	GNI_per
I(0)	-۳/۹۶۳۴۵	-۲/۴۶۹۸۵	Gce
I(0)	-۲/۶۴۵۸۹	-۱/۵۶۸۴۶۱	hc
I(0)	-۳/۱۶۵۸۳	۲/۳۶۹۴۵	inf
I(0)	-۲/۴۱۶۵۹	-۱/۴۳۹۹۴	W
I(0)	-۲/۹۶۸۱۶	-۱/۹۸۶۵۴۱	tax
مقادیر بحرانی آزمون ریشه واحد پسران در سطوح اطمینان مختلف			
	٪۱۰	٪۵	٪۱
	-۲/۱۷	-۲/۳۱	-۲/۶۱
	-۲/۱۴	-۲/۲۸	-۲/۵۴
			حالت
			با وجود عرض از مبدا
			با وجود عرض از مبدا و روند

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به مقادیر بحرانی در سطح ۵ درصد و ۱۰ درصد و با وجود عرض از مبدا و روند، تمامی متغیرها در سطح مانا هستند. بنابراین بدون نگرانی از بروز رگرسیون کاذب، می‌توان مدل‌ها را برآورد کرد.

پس از اطمینان از مانایی متغیرها، برای انتخاب روش مناسب برای این الگو، بین داده‌های تلفیقی و داده‌های تابلویی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. برای انجام آزمون چاو ابتدا مدل اثرات ثابت تخمین زده می‌شود. سپس با استفاده از آماره F لیمر، یکی از دو مورد داده‌های تلفیقی یا داده‌های ترکیبی برای تخمین مدل انتخاب

می‌شود. در این الگو همانطور که مشاهده می‌شود، در سطح اطمینان ۹۵ درصد الگوی اثرات ثابت در برابر الگوی ترکیبی انتخاب می‌گردد.

درگام بعدی با توجه به نتایج آزمون F لیمر، برای تشخیص برتری مدل اثرات ثابت در برابر مدل اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. که براساس آماره این آزمون، مدل اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی انتخاب می‌شود.

جدول شماره (۵) نتایج آزمون‌های انتخاب نحوه برآورد الگوی پانل

آزمون	آماره	سطح معنی داری
F لیمر	۲۴/۰۱۵۵۲	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۴۸/۱۶۲۰	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد انحراف معیار ضرایف و همچنین مسأله استنباط آماری، لازم است در مورد وجود یا عدم وجود واریانس ناهمسانی اطمینان حاصل گردد. برای بررسی واریانس ناهمسانی برای داده‌های تابلویی از آزمون نسبت راست نمایی (LR) استفاده شده است.

جدول شماره (۶) آزمون ناهمسانی واریانس

آزمون	آماره	سطح معنی داری
حداکثر درستی	۳۲۶۲/۶۸۹۴	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج حاصله فرض صفر این آزمون مبنی بر برابری واریانس‌ها رد و فرض یک مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس در مدل تایید می‌گردد. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس در مدل، از روش تخمین حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) برای تخمین مدل استفاده می‌شود. در نهایت برای اطمینان از عدم وجود خود همبستگی در مدل از آماره دوربین واتسون استفاده می‌شود. براساس آماره دوربین واتسون، الگو دارای خودهمبستگی سریالی نمی‌باشد.

۴-۲. نتایج حاصل

اکنون با توجه به نتایج آزمون‌های شناختی مدل، می‌توان رابطه (۱) را براساس مدل GLS و اثرات ثابت برآورد کرد. نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۷) آمده است.

جدول شماره (۷) نتایج حاصل از تخمین الگو

متغیر	ضرایب	آماره t	سطح معنی داری
fdi	-۰/۳۵۷	-۲/۲۴۰	۰/۰۳۰۴
GNI_PER	۰/۰۱۴۷۰۸۲	۰/۹۳۶۵۹۶	۰/۳۵۴۳
Gce	۰/۰۳۶۲۴۸	۰/۴۴۴۸۷۴	۰/۶۵۸۷
HECP	-۰/۴۶۲۰۷۱	-۲/۹۱۳۶۲۲	۰/۰۰۵۷

سطح معنی داری	آماره t	ضرایب	متغیر
./۰۰۰۰	-۵/۱۷۲۷۷۳	-۰/۶۴۱۸۷۳	INFLATION
./۰۰۰۸۷	۲/۷۵۳۱۰۸	۰/۴۷۸۳۵۸	W
./۷۷۴۵	-۰/۲۸۸۳۰۲	۰/۰۴۹۲۰۲	TAXES
./۰۰۰۰	۷/۴۱۴۳۱۹	۶۵/۹۸۸۹۵	C
		۰/۹۱۲۲۱۸	R-squared
		۰/۸۸۲۹۵۸	Adjusted R-squared
		۱/۹۷۹۸۱۲	Durbin-Watson stat

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج بدست آمده در جدول (۷)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی بر شاخص امنیت ملی کشورها با درآمد پایین دارد. به عبارتی یک واحد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب، $۰/۳۵۷۶$ واحد کاهش در شاخص توسعه انسانی می‌گردد. همانطور که مشخص است این ضریب در سطح ۵ درصد معنادار می‌باشد.

متغیرهای درآمد ناخالص ملی سرانه و هزینه‌های مصرفی دولت براساس نتایج بدست آمده تأثیر معناداری بر شاخص امنیت ملی ندارند و هر دو متغیر در سطح ۵ درصد بی‌معنی می‌باشد.

همانطور که مشخص است، هزینه‌های مصرفی خانوار همچون متغیر سرمایه‌گذاری خارجی، تأثیر منفی بر شاخص امنیت ملی کشورهای بررسی شده دارد. بدین معنا که افزایش یک واحدی در این متغیر منجر به کاهش $۰/۴۷۸۳$ واحدی شاخص امنیت ملی می‌گردد.

تورم نیز از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر شاخص امنیت ملی است. افزایش این متغیر منجر به بدتر شدن وضعیت شاخص امنیت ملی می‌شود. در واقع این دو متغیر رابطه منفی و معنادار باهم دارند.

شاخص رفاه منجر به بهبود شاخص امنیت ملی می‌گردد. هرگونه افزایش در این شاخص موجب افزایش شاخص امنیت ملی و بهبود آن می‌گردد. این متغیر در سطح ۵ درصد معنادار می‌باشد.

متغیر مالیات بر کالاها و خدمات همچون دو متغیر درآمد ناخالص ملی سرانه و هزینه‌های مصرفی تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص امنیت ملی ندارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر با بیان مفهوم و ارتباط اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی، پنج وجه اساسی اقتصاد امنیت یعنی: امنیت اقتصادی، امنیت نظامی، امنیت اطلاعات، امنیت انرژی و امنیت غذایی مورد بررسی قرار گرفت. براساس ادبیات پژوهش، مفهوم اقتصاد امنیت حوزه‌های گسترده‌تری را نسبت به امنیت اقتصادی شامل می‌شود و در واقع امنیت اقتصادی زیرشاخه‌ای از اقتصاد امنیت است.

هدف این پژوهش تبیین مفهوم اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی و بررسی رابطه آنها با یکدیگر و در انتها نحوه اثرگذاری امنیت اقتصادی بر اقتصاد امنیت می‌باشد. برای این منظور ابتدا به دنبال شاخصی برای نشان دادن وضعیت اقتصاد امنیت به‌عنوان متغیر وابسته بودیم. با توجه به گستردگی مفهوم اقتصاد امنیت و عدم وجود شاخص یکتا، با توجه به مطالعات پیشین و استدلال‌های مطروحه در مبنای نظری، از شاخص امنیت ملی کشورها به‌عنوان پروکسی اقتصاد امنیت استفاده گردید. با توجه به چند بعدی بودن مفهوم امنیت اقتصادی نیز، برای هر بعد یک یا دو نماینده از متغیرهای کلان اقتصادی - با استفاده از مطالعه ادبیات پژوهش - در نظر گرفته شد که عبارت بودند از: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد درآمد ناخالص ملی سرانه، هزینه‌های مصرف‌نهایی دولت، رشد هزینه مصرفی خانوار، تورم، رفاه و مالیات بر کالا و خدمات. لذا برای بررسی نحوه اثرگذاری امنیت اقتصادی بر اقتصاد امنیت در کشورهای با درآمد پایین، رگرسیون بین ۷ متغیر مستقل عنوان شده بر شاخص امنیت ملی مورد بررسی و واکاوی گرفت. بر این اساس چهار متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، هزینه مصرفی خانوار، تورم و رفاه از میان ۷ متغیر مورد بررسی این مطالعه، تأثیر معناداری بر شاخص امنیت ملی داشتند.

در خصوص متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد پایین و تأثیر منفی و معنادار بر شاخص امنیت ملی، می‌توان اینگونه تفسیر کرد که در کشورها با درآمد پایین به‌هرمیزانی که سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها بیشتر باشد امکان مداخلات خارجی برای برهم زدن نظم و امنیت این کشورها بیشتر است و امنیت، ضربه‌پذیرتر است. این نتیجه با مطالعات کلیمینکو و همکاران (۲۰۲۱) و رشیدی (۱۳۹۴) همسو می‌باشد. براساس نتایج رگرسیون، با بالاتر رفتن هزینه مصرفی خانوار در کشورهای با درآمد پایین، سبد مصرفی خانوار سهم بالاتری در تخصیص بودجه محدود یک خانواده را به خود اختصاص داده است لذا، به مخاطره افتادن نیازهای مصرفی روزانه خانوارها، می‌تواند امنیت یک کشور را در تنگناهای اقتصادی خدشه‌دارتر کند. در واقع هر رخدادی در این کشورها که مصرف خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، امنیت این کشورها را تهدید خواهد کرد. این نتیجه با مطالعه کارانینا و لوجینو^۱ (۲۰۱۸) همسو می‌باشد.

از سمت دیگر با بالا رفتن تورم، اقتصاد جوامع با درآمد پایین، از زوایای گوناگون دچار چالش در تولید (به دلیل واردات گران و بالا رفتن دستمزد) و مصرف (به دلیل کاهش قدرت خرید) شده و لذا منطقاً اقتصاد امنیت یک کشور را دچار مخاطره می‌نماید و لذا رابطه منفی و معنی‌دار آن به‌راحتی قابل توضیح و توجیه است. این نتیجه با مطالعات کارانینا و لوجینو^۲ (۲۰۱۸)، سیماناوچیچینه و استانکوویچوس^۲ (۲۰۱۷)، رشیدی و همکاران (۱۳۹۴) و تاجی و همکاران^۱ (۱۳۹۰) همسو می‌باشد.

در خصوص شاخص رفاه، ارتباط مثبت با سطح امنیت و در نتیجه اقتصاد امنیت کشورهای با درآمد پایین مشاهده گردید. این مطلب نیز به‌دلیل اینکه یک عامل مهم نارضایتی افراد و به‌خطر افتادن امنیت یک کشور، کاهش سطح رفاهی مردم آن می‌باشد به‌راحتی می‌تواند کاهش (افزایش) شاخص اقتصاد امنیت را توضیح دهد. این نتیجه با مطالعه سیماناوچیچینه و استانکوویچوس^۲ (۲۰۱۷) همسو می‌باشد.

¹ Karanina and Luzhin

² Simanaviciene and Stankovicus

در انتها نیز متغیرهای رشد درآمد ناخالص ملی سرانه، هزینه‌های مصرف نهایی دولت و مالیات بر کالا و خدمات، در کنار سایر متغیرها معنادار نشده است. این مطلب نشان‌دهنده بی‌اهمیتی یا بی‌تأثیری این متغیرها نمی‌باشد (چنانکه انتخاب ایشان مبتنی بر مطالعات قبلی صورت گرفته بود) بلکه به معنی توضیح اثر ایشان بر شاخص امنیت ملی با استفاده از سایر متغی‌ها بوده است.

۵-۲. پیشنهادها

امنیت و نیاز دو روی یک سکه هستند. هر زمان که برآورد نیازها به مخاطره بیفتد، بر حسب شدت این مخاطره و سطح نیاز، امنیت نیز به مخاطره می‌افتد. مثلاً نیاز به غذا جزو اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین نیازها و نیاز به احترام در مرتبه بالاتری (و حساسیت کمتری نسبت به غذا) می‌باشد و لذا به خطر افتادن هر یک (امنیت غذایی در مقابل امنیت احترام یا شخصیت) سطح متفاوتی از امنیت را برای یک جامعه متأثر می‌سازد. در این پژوهش، سعی گردید با واکاوی مفهوم اقتصاد امنیت و امنیت اقتصادی، به جابجایی صحیح هر کدام در تبیین امنیت پرداخته شود. در این خصوص باید اشاره کرد که بخش زیادی از تلاش‌های قبلی صورت گرفته شده عموماً در حوزه امنیت اقتصادی است که نگاهی خرد به مقوله امنیت دارد. در مقابل، اقتصاد امنیت که نگاهی کلان داشته و امنیت را به مثابه کالای عمومی مورد مطالعه قرار می‌دهد شدیداً در مطالعات و بررسی‌ها مورد غفلت قرار گرفته است و موجب گردیده است که وجوه مهمی از امنیت، مشمول بررسی و در نتیجه سیاست‌گذاری قرار نگیرد.

در خصوص نتایج مدل نیز چنانکه بحث گردید، مهمترین بازیگران در حوزه اقتصاد امنیت را می‌توان در دو بخش طبقه‌بندی نمود. بازیگران داخلی که شامل تورم و رفاه و هزینه مصرفی خانوار است و مهم‌ترین بازیگر خارجی نیز سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. لذا چنانکه در مدل نیز مشاهده گردید، در کشورهای با درآمد پایین که اقتصاد داخلی قوی ندارند، سرمایه‌گذاری خارجی حتی اثر منفی بر اقتصاد امنیت (با پروکسی امنیت ملی) دارد. برعکس آن نیز برای این کشورها قابل توجه است: تمرکز بر بازیگران داخلی و کنترل یا رشد اثر آنها بر توضیح رفتار امنیت ملی به‌راحتی قابل مشاهده است. لذا تازمانی که سیاست‌های حاکم بر کشور ما حرکت به سمت استقلال بیشتر و مقابله بر هژمونی حاکم بر غاطبه دول منطقه و دنیا است، چاره‌ای جز تمرکز بالاتر بر منابع داخلی و پیگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای تقابل با تکانه‌ها و تحریم‌های وارده بر پیکره اقتصاد کشور نیست.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اسماعیل نیا، علی اصغر و وصفی اسفستانی، شهرام (۱۳۹۵). تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، ص ۱۲۷-۱۵۴.
- آذرشب، محمدتقی؛ نجم آبادی، مرتضی و بخشی تلیایی، رامین (۱۳۹۶). جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، (۴۰) ۱۳، دوره ۱۳، شماره ۴۰، ص ۱۱۹-۱۴۶.
- آقامحمدی، داود (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل راهبردی مؤثر بر آمایش سرزمینی از منظر امنیت ملی (مورد مطالعه: منطقه جنوب شرق ایران)، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، دوره ۳، شماره ۱۲، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- پادام، سیدسجاد و نوراحمدی، سید جواد (۱۳۹۵). بررسی مقاوم‌سازی بخش نفت و گاز سیستم انرژی ایران از منظر استمرار تولید، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، دوره ۵، شماره ۲۰، ص ۳۵-۷۸.
- دری نوگورانی، حسین (۱۳۹۵). مفهوم اقتصاد دفاع و برخی ویژگی‌های متمایز آن، فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱-۳۹.
- رشیدی، مصطفی؛ ردادی، علی و مقدم‌فر، سعید رضا (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش امنیت اقتصادی کشور، مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۱۸، شماره ۶۸، ص ۶۵-۸۹.
- زارع مهرجردی، یحیی و امیری، علیرضا (۱۴۰۱). پویایی‌شناسی تاثیر عوامل منتخب امنیت غذایی بر امنیت ملی، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۱۸، شماره ۶۷، ص ۲۵۶-۲۸۸.
- سیف، الله مراد (۱۳۹۰). مفهوم شناسی امنیت اقتصادی، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۳، شماره ۹، ص ۳۵-۷.
- صادقی، سیدشمس‌الدین و نادری، مسعود (۱۳۹۵). تحلیل ابعاد امنیت دولت در ایران قرن بیست‌ویکم، دولت پژوهی، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۶۵-۲۰۲.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۷). امنیت ملی: مفهوم، تئوری و عمل، سیاست کاربردی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۴۱-۶۷.
- نگین تاجی، زیر؛ حسینی، هومان و کیانی، آذین (۱۳۹۰). شاخص‌های اقتصادی و امنیت ملی ایران، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۳، شماره ۹، ص ۱۹۳-۲۰۲.
- یگانگی، سید کامران و عبایی، پریسا (۱۳۹۹). ارائه مدل مفهومی و سیستماتیک از امنیت ملی، فصلنامه پژوهشنامه مدیریت و مهندسی صنایع، دوره ۲، شماره ۳، ص ۴۷-۵۷.

منابع لاتین

- Al-Rawashdeh, M. S. (2019). Arab National Security (Dimensions, Perceptions, Challenges, Risks and Future Strategy).
- Anderson, Ross & Fuloria, Shailendra(2015). Security Economics and Critical National Infrastructure, Engineering, Computer Science.
- Arefieva, O., Tulchynska, S., Popelo, O., Arefiev, S., & Tkachenko, T. (2021). The Economic Security System in the Conditions of the Powers Transformation. *International Journal of Computer Science & Network Security*, 21(7), 35-42.
- Azzuni, Abdelrahman and Breyer, Christian (2018), Definitions and dimensions of energy security: a literature review, *WIREs Energy Environment*, 7(1), 23-49.
- Bardwell, Harrison and Iqbal, Mohib (2020). The Economic Impact of Terrorism from 2000 to 2018, Peace Economics, Peace Science and Public Policy, 27(2), 42-54.
- Bielecki, J., (2002). Energy security: Is the wolf at the door? *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 42(1), 235-250.
- Blattman, C. and E. Miguel (2010). Civil War, *Journal of Economic Literature*, 48(3), 3–57.
- Bove, V., L. Elia., & R. P. Smith. (2018). Economic Development in Peacekeeping Host Countries, *Oxford Economic Papers*, 69(1), 550–568.
- Buzan, Barry. (1991). New Patterns of Global Security in the Twenty-First Century. *International Affairs* 67(3), 431-451.
- Collier, P., Hoeffler, A., & Söderbom, M. (2004). On the duration of civil war. *Journal of peace research*, 41(3), 253-273.
- Elkind, J. (2010). Energy security: call for a broader agenda. In: Pascual C, Elkind J, eds. Energy Security: Economics, Politics, Strategies, and Implications. Washington, DC: Brookings Institution Press, 119–148.
- European Commission. (2000). Green Paper towards a European Strategy for the Security of Energy Supply. COM 2000, 769 final, Brussels.
- Gates, S., Hegre, H., Nygård, H. M., & Strand, H. (2012). Development Consequences of Armed Conflict”, *World Development*, 40(1), 1713–1722.
- Glismann, H. H., & Horn, E.-J. (1992). Rüstung und Wohlfahrt: Theoretische und strukturelle Besonderheiten des Rüstungsmarktes. Kiel Working Paper, No. 517, Institut für Weltwirtschaft (IfW), Kiel.
- Gross, M. L., Canetti, D., & Vashdi, D. R. (2017). Cyberterrorism: its effects on psychological well-being, public confidence and political attitudes. *Journal of Cybersecurity*, 3(1), 49–58.
- Hacker, J. S., Huber, G. & Nichols, A. (2012). The Economic Security Index: A New Measure of Research and Policy Analysis. San Francisco: Federal Reserve Bank of San Francisco, Working Paper.

- Hartley, Keith (2011). *The Economics of Defence Policy: A New Perspective*. London: Routledge.
- Harust, Yu., & Melnyk, V. (2019). Economic Security of the Country: Marketing, Institutional and Political Determinants. *Marketing and Management of Innovations*, 4(1), 373-382.
- Heath, Benton. (2019). National Security and Economic Globalization: Toward Collision or Reconciliation?, *Fordham International Law Journal*, 42(1), 1431-1450.
- Heath, J. B. (2019). The New National Security Challenge to the Economic Order. *Yale LJ*, 129, 1020.
- Hertati, L., Widiyanti, M., Desfitriana, D., Syafarudin, A., & Safkaur, O. (2020). The effects of economic crisis on business finance. *International journal of economics and financial issues*, 10(3), 236-249.
- Hughes, L. (2009). The four 'R's of energy security. *Energy Policy*, 37(2), 2459-2461.
- Ioan-France, V., & Andrei, D. M. (2010). Some Opinions on the Relation between Security Economy and Economic Security, *The Romanian Journal of Economics*, 129-159.
- Jean-Marc, F. Blanchard., Edward, D. Mansfield., & Norrin, M. Ripsman. (2000). The political economy of national security: Economic statecraft, interdependence, and international conflict, *Security Studies*, 9,(1-2), 1-14
- Kabanda, Gabriel. (2018). A Cybersecurity Culture Framework and Its Impact on Zimbabwean Organizations. 17-34.
- Kalakuntla, Rohit., & Vanamala, Anvesh., & Kolipyaka, Ranjith. (2019). Cyber Security. *Holistica*. 10. 115-128.
- Karanina, Elena., & Loginov, Dmitri. (2018). Indicators of economic security of the region: a risk-based approach to assessing and rating. IOP Conf. Ser. Earth Environ. Sci.
- Klimenko, P., Sevryukova, L., Goncharenko, M., & Dmitriev, D. (2021). Financial mechanisms to stimulate the real economy in the global economic security system. In *SHS Web of Conferences*, 92, 80-111.
- KOBER, Stanley. (2019). *The Fallacy of Economic Security*, available at: <http://www.cato.org>.
- Koval, V., Nazarova, K., Hordopolov, V., Kopotiienko, T., Miniailo, V., & Diachenko, Y. (2019), Audit in the state economic security system. *Management Theory and Studies for Rural Business and Infrastructure Development*, 41(3), 419-430.
- Kugler, T., K. K. J. Kugler, M. Arbetman-Rabinowitz, & J. Thomas (2013). Demographic and Economic Consequences of Conflict”, *International Studies Quarterly*, 57, 1-12.

- Lesbirel, SH. (2004). Diversification and energy security risks: the Japanese case. *Jpn J Polit Sci*, 5, 1–22
- Markina, I., Safonov, Y., Zhylinska, O., Diachkov, D., & Varaksina, E. (2019). Defining the dimensions of national security, financial security and food supply chain in Ukraine. *International journal of supply chain management*, 7(6), 608-620.
- McCandless, Erin(2012), Peace Divides and beyond, United Nations Peacebuilding Support Office.
- Menshikov, V., Volkova, O., Stukalo, N., & Simakhova, A. (2017), Social economy as a tool to ensure national security. *Journal of Security & Sustainability Issues*, 7(2).111-131.
- Overland, Indra (2016). Energy: The Missing Link in Globalization, *Energy Research and Social Science*, 14, 122–130
- Seemma P.S., Sundaresan, N. & Sowmiya, M. (2018). Overview of Cyber Security. *IJARCCCE*. 7, 125-128.
- Pachapur, P. K., Pachapur, V. L., Brar, S. K., Galvez, R., Le Bihan, Y., & Surampalli, R. Y. (2020). Food security and sustainability. *Sustainability: Fundamentals and Applications*, 357-374.
- Paleri, Prabhakaran. (2008). National Security: Imperatives And Challenges. New Delhi: Tata McGraw-Hill. Retrieved, 23, 521-548.
- Pasqualetti, MJ., & Sovacool, BK. (2012). The importance of scale to energy security. *J Integr Environ Sci*, 9:167–80
- Ruambo, Francis. (2019). Network Security: A Brief Overview of Evolving Strategies and Challenges. *International Journal of Science and Research (IJSR)*. 8. 834-841.
- Simanavičienė, Ž., & Stankevičius, A, (2017). Economic security and national competitiveness. *Public security and public order*,15, 126-143.
- Sovacool, B. K. (2019), Energy security: challenges and needs. *Advances in Energy Systems: The Large-scale Renewable Energy Integration Challenge*, 111-118.
- Szpyra, Ryszard. (2014). Military Security within the Framework of Security Studies: Research Results. *Connections: The Quarterly Journal*. 13, 59-82.
- Valentine, SV. (2011). *The fuzzy nature of energy security*. In: Sovacool BK, ed. *The Routledge Handbook of Energy Security*. Oxford; New York: Routledge.
- Zha, D. (1999), Chinese Consideration of Economic Security. *Journal of Chinese Political Science*. 5(1):69-87.
- Zittel, W., Zerhausen, J., & Zerta, M. (2013). *Fossil and Nuclear Fuels—The Supply Outlook*. Energy Watch Group/ Ludwig-Beolkow-Foundation/Reiner-Lemoine-Foundation: Berlin.

An examination of the Economics of Security and its impacts on Economic Security; A Case study of low-income countries

Mahdi Goldani^{1*}

Abstract

An examination of the relationship between the economics of security and economic security reveals the close interrelation between these two concepts, as well as their mutual dependence on the costs involved in maintain economic security and economic risks that affect security in general. Economics of security is a more general concept than economic security and includes the relationships, institutions, and costs that affect the management of social and economic risks that affect security. The present study first starts with a review of concepts such as security, security economics and economic security, and subsequently examines some of the methods proposed for measuring these concepts, and the proxies often used for modeling these two concepts. Thereafter, the study examines some of the economic variables and components of economic security that affect the economic security. The results obtained indicate that the welfare index has a positive and significant effect on the economics of security, and that variables such foreign investment, household consumption and inflation have a negative and significant effect on this index.

Keyword: Security economics, economic security, military security, national security.

¹ Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Literature and Human Sciences, Hakim Sabzevari University, Khorasan Razavi, Iran. Corresponding Author.
(m.goldani@hsu.ac.ir.)